





M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE17116

۲۹۵۱۲

۳۳۱۱۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوال

چون میفرمایند علماء شریعت و طریقت ما اهل السنه و الجماعه در حق کسی که خود را  
 از اهل سنت و جماعت و انما ید و در عقیده خود تفضیل حضرت علی رضی الله  
 عنه بر اصحاب ثلاثه یعنی حضرت ابوبکر صدیق و حضرت عمر و حضرت عثمان رضی  
 الله عنهم دریا گوید که تفضیل حضرت اصحاب ثلاثه بر شیب خلافت صرف در امور  
 سیاست مدنی است نه تفضیل از جهت دیگر فضائل و نه در امور باطنی  
 یا گوید که در ولایت باطنی اصحاب ثلاثه را دخل نیست یا گوید که این اصحاب

التماس  
 خدمت ناظرین  
 این نویسنده  
 که وقت لاغله  
 این نویسنده  
 و اشخاص را  
 میبایست  
 که بسیار  
 از این  
 در این  
 است  
 با تقدیر  
 بنویسد  
 تقاضای  
 خدمت ناظرین

قال الشيخ صاحب الشفا  
عبد الحق الطحاوي  
من كتاب التلخيص  
في بيان فضائل  
الائمة الطاهرة  
عليهم السلام  
والجواب عن  
سؤال من سأل  
عن ترتيب  
الائمة  
عليهم السلام  
في الجنة  
والجواب  
انهم  
يترتبون  
بدرجات  
الفضل  
والعلم  
والعبادة  
والجواب  
انهم  
يترتبون  
بدرجات  
الفضل  
والعلم  
والعبادة

نقله از اختلاف فضیلت شدند از سابق پس بر مقتدین این ستمها  
اطلاق تفضیلیه و مخالف اجماع است یانه

جواب

افضلیت اصحاب رضی الله عنهم یعنی خلفای اربعه محمد مصطفی صلی الله  
علیه وسلم بترتیب خلافت است مطلقانه مقید بطایفه یا باطن و اطلاق  
تفضیلیه و خاطی و مخالف اجماع بر تفصیل و بینه حضرت علی بر خلفای  
ثلاثة صحیح است و افضلیت خلفای ثلثه پیشتر از زمان خلافت ثلثه  
که همان سابقه فضل و تقدم و رجحان که در اوزان صحابه بود آنها را  
در زمان آنها تعیین برای خلافت که نقال فی شرح العقائد  
افضل البشر بعد نبینا ابوبکر الصدیق ثم عمر الفاروق  
ثم عثمان ذوالنورین ثم علی المرتضی رضی الله عنهم و  
خلافتهم علی هذا الترتیب ترجمه گفت و شرح عقائد نسبی  
که فاضلترین مردان بعد نبی ماصلی الله علیه وسلم ابوبکر صدیق است

و اینست که در این  
نقد و در بیان  
بدرجات  
الفضل  
والعلم  
والعبادة  
و اینست که در این  
نقد و در بیان  
بدرجات  
الفضل  
والعلم  
والعبادة  
و اینست که در این  
نقد و در بیان  
بدرجات  
الفضل  
والعلم  
والعبادة

اینکه در این  
نقد و در بیان  
بدرجات  
الفضل  
والعلم  
والعبادة  
و اینست که در این  
نقد و در بیان  
بدرجات  
الفضل  
والعلم  
والعبادة



ثلاثه رضی اللہ عنہم اکمل الاولیا واعرف المعرفا بلکہ قطب الاقطاب  
 و زمان خود نایب و ند چنانکه از فتوحات مکیه و شرح آداب میل  
 و احیاء العلوم و غیره نقل میکنم و نباید دانست که ماخذ مستحکمین و  
 فقہاء و صوفیہ و تمامہ اہل اسلام کتاب اللہ و سنت رسول اللہ  
 است صلی اللہ علیہ وسلم پس در قرآن شریف بسیار آیات مشعر  
 بر رضای خداوند تعالی از اصحاب و مخبر بفضائل و افضلیت ایشان  
 اند کہ بعضی از آنها در ضمن اقوال اولیای کرام می آید و اما احادیث  
 پس بسیار از بسیار است از انجمله دو حدیث شریف از صحیح بخاری کہ  
 اصح الکتاب بعد کتاب اللہ است و مبتنی از اتفاق و اجماع اصحاب  
 رضی اللہ عنہم بر سابقیت و افضلیت ایشان علی ترتیب الخلا  
 ست نقل کنم عن ابن عمر <sup>رضی</sup> قال کنا فی زمن النبی صلی اللہ علیہ  
 وسلم لا نقدر ان یقال بای یکا احدا ثم عی ثم عثمان ثم ندرک  
 اصحاب النبی صلی اللہ علیہ وسلم لا نفاضل بینہم

رواه البخاری ترجمه از ابن عمر رضاست گفت بودیم مادر زانیه بنی  
 صلی الله علیه و سلم که برابر نمی کردیم با ابی بکر رضه کسی را پس با عمر رضه  
 پس با عثمان رضه پس میگذاشتیم اصحاب بنی صلی الله علیه و سلم را  
 که تفضیل نیدادیم در میان آنها روایت کرد این حدیث را بخار  
 انتی و فی سنان ابی داؤد قال کنا نقول و رسول الله  
 صلی الله علیه و سلم حی افضل امة النبی صلی الله علیه و سلم  
 بعده ابی بکر ثم عمر ثم عثمان رضی الله عنهم هذا ما فی  
 مشکوٰۃ الشریفة ترجمه و در سنن ابی داؤد است گفتیم  
 در حالیکه رسول الله صلی الله علیه و سلم زنده بود که فاضلترین است  
 بنی صلی الله علیه و سلم بعد از وی ابوبکر است پس عمر پس عثمان  
 رضی الله عنهم این چیز است که در مشکوٰۃ شریف است انتی و صاب  
 سنن ابی داؤد و ابی داؤد تفضیل اصحاب رضی الله عنهم منعقد کرده  
 و قال باب فی التفضیل ترجمه و گفت این باب در تفضیل است

انتهى حد ثنا عثمان بن شيبه حد ثنا اسود بن عامر  
 حد ثنا عبد العزيز بن ابى سملة عن عبيد الله عن نافع  
 عن ابن عمر قال كما نقول فى زمن النبي صلى الله عليه وسلم  
 لا تعدل باى بكرا احدا شمر عشر عثمان شمر نذر له  
 اصحاب النبي صلى الله عليه وسلم لا تفاضل بينهم مكره  
 حديث كرومارا عثمان بن شيبه حديث كرومارا اسود بن عامر حديث  
 كرومارا عبد العزيز بن ابى سملة عن عبيد الله عن نافع عن ابن عمر  
 در زمان نبى صلى الله عليه وسلم كه برابر نميكنيم باى بكريه كسى را پس با هم  
 پس با عثمان پس ميگذاريم اصحاب نبى صلى الله عليه وسلم را كه فضل  
 نميدهيم در بيان آنها انتهى حد ثنا اسود بن عامر حد ثنا  
 عنبة حد ثنا ايونس بن شهاب قال قال سالم بن عبد الله عن ابن عمر  
 قال كما نقول ورسول الله صلى الله عليه وسلم افاضل امة النبي صلى الله  
 عليه وسلم بعدى ابوبكر شمر عشر عثمان رضى الله عنهم

حد ثنا عثمان بن شيبه حد ثنا اسود بن عامر حد ثنا عبد العزيز بن ابى سملة عن عبيد الله عن نافع عن ابن عمر







هَجَعَ مِنَ اللَّيْلِ فَضَرَبَ الْبَابَ حَتَّى اسْتَيْقَظَتْ فَقَالَتْ أَرَأَيْتَ نَأْتِيكَ  
فَوَاللَّهِ مَا أَكْثَلَتْ هَذِهِ الثَّلَاثُ بِكَثِيرٍ نَوَامٍ أَنْطَلِقُ فَأَدْعِيكَ الْبَارِ  
وَسَعْدًا فَدَعَوْهُمَا لِهَ فَشَاوَسَهُمَا ثُمَّ دَعَا فَعَالَيَ فَقَالَ ادْعُ لِي عَلِيًّا  
فَدَعَا لَهُ فَنَاجَاهُ حَتَّى أَبْهَا لَ اللَّيْلَ ثُمَّ قَامَ عَلَى مِنْ عِنْدَهُ وَهُوَ عَلَى طَعْمٍ  
وَقَدْ كَانَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ يَنْشِئُ مِنْهُ شَيْئًا ثُمَّ قَالَ ادْعُ لِي عُثْمَانَ فَنَاجَاهُ  
حَتَّى فَرَّقَ بَيْنَهُمَا الْمُتَوَدِّعِينَ بِالْعَجِيمِ فَلَمَّا أَصْلَى النَّاسُ الصُّبْحَ وَاجْتَمَعَ  
وَلَمَّا كَانَ الرَّهْطُ عِنْدَ الْمَنْدَبِ فَأَرْسَلَ إِلَى مَنْ كَانَ حَاضِرًا مِنْ الْمُهَاجِرِينَ  
وَالْأَنْصَارِ وَأَرْسَلَ إِلَى أَهْلِ الْأَجْنَادِ وَكَانُوا أَهْلُ ذَلِكَ الْحِجَّةِ مَعَ عُمَرَ  
فَلَمَّا اجْتَمَعُوا أَشْهَدَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ ثُمَّ قَالَ أَمَا بَعْدُ يَا عَلِيُّ أَنْ قَدْ نَظَرْتُ  
فِي أَمْرِ النَّاسِ فَلَمْ أَرَهُمْ يَعْذِلُونَ بِعُثْمَانَ فَلَا تَجْعَلُنَّ عَلَى نَفْسِكَ  
سَبِيلًا فَقَالَ أَيْبَاكَ عَلَى سُنَّةِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَخْلِيقَتَيْنِ مِنْ بَعْدِهِ  
فَيَا أَيُّهَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ وَيَا أَيُّهَا النَّاسُ هَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ وَالْأَجْنَادُ الْمُسْلِمُونَ  
مَنْ مَعَكُمْ هَذِهِ كَرِوَالِدُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ اسْمُهُ رِيثُ كَرِوَالِدٍ جَوْرِيٍّ نَاكَ كَرِوَالِدٍ نَزِيرِيٍّ أَرْجُوهُ

[illegible]

100

بن عبد الرحمن خبر داد و تحقیق رسوین مخبر خبر داد و تحقیق کردی و الی گوییده بود و ایشان  
عمره جمع شدند پس با هم مشورت کردند گفت آنها را حضرت عبد الرحمن <sup>بنسبت</sup>  
که بنفسی و رغبت کنم شمارا برین امر و لیکن شما اگر خواهید پسند کرده و هم شما  
از شما پس حواله کردند این امر را عبد الرحمن پس چون والی گویانید عبد الرحمن  
در امر خود و پس مایل شدند مردمان جانب عبد الرحمن تا آنکه ندیدیم کسی را از  
مردمان که پیروی کند آن قوم را و نسیرت پس وی و رغبت کردند مردمان  
عبد الرحمن که مشورت میکردند با او درین شبها تا که آمد آن شب که جمعی  
بیت کردیم با عثمان رض گفت بسوزانند نزد من عبد الرحمن بعد گذشتن پاره  
از شب پس زد دست در باب تا آنکه بیدار شدیم پس فرمود عبد الرحمن که  
می بینم ترا خفته و اندک سیر خفته ام درین شبهای تلاشه برو پس بطلب نیر  
سعد را پس طلبیدم هر دو را نزد او پس مشورت کرد آن هر دو پس از آن طلبید  
ما پس گفت عبد الرحمن بطلب علی رض را پس طلبیدم او را پس خفیه سخن کرد  
عبد الرحمن با علی تا آنکه گذشت نیمی از شب پس خواست علی از نزد عبد الرحمن در حالیکه علی

طبع داشت و ابو عبد الرحمن گهی نزد سید از علی بن ابی تراب پیس گفت عبد الرحمن بن اطلب عثمان را  
پس خیمه من کرد و عبد الرحمن با عثمان بنی تا آنکه تفریق کرد در میان هر کس مؤذن صبح پس  
هر گاه نماز صبح خواندند مردمان و جمع شدند آن گروه نزد منبر پس نوشتند  
عبد الرحمن طرف حاضرین مهاجرین و انصار و امرای اجناد و بودند  
که گذارده بودند این حج را با عمر رضی پس چون جمع شدند همه خطبه خواند  
عبد الرحمن بعد از آن گفت اما بعد که ای علی رضی خوب نظر کردم در شأن  
مردمان پس ندیدم آنها را که برابر دهند کسی را با عثمان رضی پس گردان  
برای نفس خود سبیلی پس گفت عبد الرحمن بیعت میکنم با تو ای عثمان رضی  
بر سنت خدا و رسول او و بر دو خلیفه او پس از آن بیعت کرد عبد الرحمن و  
جمع مهاجرین و انصار و امرای اجناد و جمله مسلمانان ائمه و آل و این  
اشاره صاحب شریح العقائد بقوله علی هذا وجدنا السلف ائمه و هکذا قال  
صاحب المواقف و شارح المواقف لکن وجدنا السلف قالوا بان افضل  
ابو بکر ثم عمر ثم عثمان ثم علی و محسن تلذنا بهم یقتضی بآفهم

لولا ان يعرفوا ذلك لما اطيعوا عليه فوجب علينا اتباعهم في  
 ذلك القول ثم <sup>سيف</sup>جوابه وبنسب یمن معنی اشاره کرد صاحب شرح عقائد  
 بقول خود که بر همین یاقیم سلف را آنچه همچنین گفت صاحب موقوف  
 و شارح موقوف که لیکن ما یا فقیم سلف را که می گفتند که فاضله بگوید  
 است ایستمر عمره پیستر عثمان پیستر علی رض و حسن ظن ما بان اصحاب رض و  
 سلف مقتضی است که آنها اگر نشناختند ی این امر را بر آئینه اتفاق نگذرد  
 بروی پس واجب شد بر ما اتباع آنها درین قول انتهی پس بر امر که  
 اصحاب رضی الله عنهم از مهاجرین و انصار اتفاق کردند و جمهور بنی  
 السنة و الجماعة و هر چهار امان مذہب بدان اعتقاد دارند از ان <sup>رض</sup>  
 و انکار نباید و افراط و تفریط شاید در مشکوٰۃ بروایت امام احمد بن  
 رحمه الله آورده **عن** **علي** قال قال لي رسول الله صلى الله  
 عليه وسلم فيك مثل من عيبته ابغضته اليهود حتى يهتق امه  
 واحبته النصارى حتى انزلوه بالملزلة التي ليست له ثم







از اینها آنکه که بیگویند بدرستی که محبت علی و اهل بیت رضی الله عنهم  
 اولی و سزاوارتر است از منی در شرح موافقت گفته افضل الناس  
 بعد رسول الله صلی الله علیه و سلم عندنا و اکثر قد ماء  
 المعتزلة این بکسر راء و عند الشيعة و اکثر متأخری المعتزلة  
 علی رضي الله عنه ترجمه فاضلترین خلق الله بعد رسول الله  
 صلی الله علیه و سلم نزد ما اهل سنت و جماعت و نزد اکثر از قدما و متأخری  
 ابو بکر است رضي الله عنه و نزد شیعه و نزد اکثر از متأخرین معتزله علی رضي  
 عنه است انتهى قال خاتمة المحمدين سند العلماء و المحدثين  
 مولانا شاه عبد العزيز رحمه الله في التحفة  
 و مرقه رشیدیة تفضیلیه که جناب مرتضوی را بر جمیع صحابه تفضیل میداد  
 و این فرقه از ادعای تلامذه آن نقیض شدند و شبهه از و سوسه و قبول کردند  
 و جناب مرتضوی در حق اینها تهدید فرمود که اگر کسی را خواهم شنید که مرا  
 بر شیخین تفضیل میدهد او را حد افتر که پیش از چاک است خواهم  
 در

بعده می فریاد و اما تفضیلیه پس با نجات که از دو طرف رانده در وسط  
مانده بودند سبیه و تبرایه ایشانرا از خود نمی شمردند و در اعلام شیعه  
علی همنی آوردند که داد محبت اهل بیت که بر غم شان منحصر در سب و  
تبرای صحابه و از واج است نمیدهند و جماعه مخلصین آنها را بخیر و  
جناب مرتضوی خوانسته و مورد وعید انجناب انگاشته تحقیر و ذلیل  
میکردند لافی العیر و لافی النقیه در حق ایشان راست آمد و بعد  
میفرمایند پس غلامه سبیه را نواصب دانند و سبیه تفضیلیه را و  
تفضیلیه شیعه اولی را و خوش حال شیعه اولی که مورد طعن و طعنه  
جمیع فرق ضاله از شیعه و نواصب گردیده اند و با بر همه آنها مخالفت  
گرفته گویا ایشانرا ببردشت جناب مرتضوی مجاهده گیری و غریت  
عظمی نصیب شده و ان الدین بد اغریبا و سیحق دغریبا  
فطوبی للغریبا مصداق حال ایشان و کشف مال او شان آمد  
پس بشارت باد برای غریبا  
قال صاحب الکاشفاه والنظائر فی فتاوی الزینیه

100

3

11/23/81

2

3

3

✓

10

Trial	Control	MCI	AD
1	85	75	65
2	88	78	68
3	90	80	70
4	92	82	72
5	95	85	75

14

پس بشارت باد برای غربا ۱۲





بر آنکس که سواى ایشان بودند از صحابه و بنود خلافت به تیغ و زبردستی و  
غلبه و نبود بگرفتن ازان کس که او قاضى بود و ازان و گفت در فصل آخر  
اما شیعه پس آنها را تا مهاست و نیست جز اینکه گفته شد آنها را شیعه برای  
اینکه ایشان پیروی کرده اند علی رضا و تفضیل داده اند او را بر همه یاران  
و گفت در آن فصل نیز گفته شده است که شیعه کسی است که تفضیل ندهد بر عثمان  
را بر علی رضی الله عنهما و بدرستی که راضی کسی است که تفضیل کند علی رضا بر عثمان  
و گفت رضی الله عنه در فصلهای آخر و جز این نیست که آوردم من بیان  
سخنهای ایشان تنها از دلائل از جهت گریختن از این پناه و دیدم از خدای  
تعالی و شمار از بدی این مذنبها و از بدی اهل ایشان و بمیدانم از بدی  
اسلام و طریقه مصطفویه در گروهی که نجات پاینده است بر حمت او پس  
سابقیت در فضل اصحاب اربعه را رضی الله عنهم و بان وجه تحقیق خلافت  
با جماع اصحاب و اهل سنت و ایضا گفته که ایمة اربعه و مذایب اربعه در آن  
داخلند ثابت و نیز منکرش که تفضیلیه است مصداق تفضیلیه مخالف

الا جماع و شيعه و افاضی از فتوای پیشوای اولیا و سر حلقه اصحاب رضی الله عنه  
 گردیده اگر اندین زیاده صراحت کمال و تفضیل خلقاتی ثلثه رضی الله عنهم  
 در باطن محبوبی پس بعد یادداشتن عبارت ختمه ایلا البین از حجة الاسلام  
 مستند اولیای کرام حضرت امام محمد غفر الی روح بایر شیعہ و ارجاع  
 در جلد اول کتاب العلم فی الباب الثانی فی القسم الثانی و ما فضل  
 ابو بکر رضی الله عنه الناس **ب** كثرة صیام و لا بکثرة صلوة  
 و لا بکثرة سواية و لا فتوى و لا کلام و لكن بشیء و قسری صدق  
 حکما شهید له سید المرسلین صلی الله علیه و سلم انتی ترجمه  
 و فاضل نشد ابو بکر رضی الله عنه از مردمان بسبب کثرت روز نماز  
 کثرت نماز و نه بسبب کثرت روایت و نه بسبب فتوی و نه کلام و لیکن  
 بسبب چیزیکه گران شد در سینه وی از فریاد و گواهی داد برای وی رضی  
 سید المرسلین صلی الله علیه و سلم انتی و ایضا فیہ در بیان قسم فاعلم  
 ان ما یقال به الفضل عند الله شیء مما یقال به الشیة

۴  
 خدا تفضل  
 من بجهت  
 و الا بکثرة  
 الصلوة  
 بکثرة  
 و الا بکثرة  
 کلام و لیکن  
 بسبب  
 شیء  
 مما یقال  
 به الشیة

[illegible][illegible]

۲۳  
درین مقام خاص  
با حسن گشت پوشیده  
از کبریا و اوج ملکوت  
بزرگوار و یکایک دولت  
از غنچه حبیب ولایت  
عالمی که عالم ملکوت  
گشاید داخل در آنست  
و غنی همگی را بدین است  
بلکه از صفی سیرت  
بعد شبنام صوفی است  
و برای این امر

[illegible]



بعد بنی صلی اللہ علیہ وسلم ابو بکر پس عمر پس عثمان پس علی رضی اللہ  
تعالیٰ عنہم و آنیکہ نیک گمان بود با جمیع صحابہ و شاگردانہا چنانکہ شریعتنا  
کرده است اللہ تعالیٰ و رسول او صلی اللہ علیہ وسلم پیغمبر اصحاب  
و اینہمہ از انجملہ است کہ وارد شدہ آن اخبار و شایع شدہ فی آثار  
پس برکہ احقاقکند اینہم را در عالیکہ یقین کنندہ باشند بدان باشند  
آنکس از اہل حق و عصابت سنت و مفارقت کرد آن شخص گروہ ضلال  
و گروہ بدعت را پس میخواہیم از خدای تعالیٰ کمال یقین را و ثبات را و  
دین برای خود و برای جمیع مسلمین بدرستی کہ او تعالیٰ ارحم الراحمین است  
انہی و ایضا فیہ در بیان کتاب در فضل ثالثہ ان فضل الصحابۃ علی  
حسب ترتیبہم و ترتیبہ بدرستی کہ فضیلت صحابہ بر حسب  
ترتیب آنست انہی و ایضا فیہ در بیان کتاب در رکن الرابع و اصل  
ثامن ان فضل الصحابۃ رضی اللہ عنہم علی حسب ترتیبہم  
فی الخلاۃ اذ حقیقۃ الفضل ما ہی فضل عند اللہ

عز وجل وذلك لا يعلم عليه الا رسول الله صلى الله عليه  
 وسلم وقد ورد في الشك على جميعهم آيات و اخبار  
 كثيرة واما يدرك دقائق الفضل والترتيب في اشاهد  
 للوحى و التنزيل بقرائن الاحوال و دقائق التفضيل فلو لا  
 فهمهم ذلك لما سرتبوا الامر هكذا اذ كان لا تأخذهم  
 في الله لومة لائم و لا يبرفهم عن الحق صاذف  
 ترجمه بدرستی که فضیلت صحابه رضی الله عنهم بحسب ترتیب آنهاست  
 در خلافت چه حقیقت فضل همان است که او فضل نزدیک خدا  
 عز وجل باشد و مطلع نیست بروی بجز رسول خدا صلی الله علیه و سلم  
 و بدرستی که وارد شده است در شما بر جمیع آنها آیات و احادیث  
 بسیار و جزین نیست که می یابند دقائق فضل و ترتیب را در فضل  
 آنانکه مشاهده کرده اند و وحی و تنزیل را بقریبای احوال و دقیقاً  
 تفضیل پس اگر نبودی فهم آنها چنین بر آئینه ترتیب نمیدادند این

امرا بچنین چرا که بود که نمیکرفت او شان را در راه خدا نکو بش  
نکو بندگان و برگشته نمیکرد آنها را از امر حق که امی برگشته کنند  
انتهی آنچه این امام حجة الاسلام درین مقام استدلال با دراک  
اصحاب رضی الله عنهم بوجه مشایده وحی و تنزیل و بقرائن احوال  
فرموده در دیگر مقامات نیز از جهت قوت و حقیقت این مسلک  
بهین سوال دلیل آورده قال فی الاحیاء فی بیان العلم  
الذی هو فرض الکفاة من الباب الثانی فی العلم  
المحمود والمذموم وکذا الاثر فانه ایضاً يدل علی  
السنة لان الصحابة رضی الله عنهم قد شاهدوا الوحي  
والتنزیل وادسکوا بقرائن الاحوال ما غاب عن غیرهم  
عیانه ویربما لا تحیط العبارات بما ادسک بالقرائن  
فمن هذا الوجه رأی العلماء الاقتداء بهم والتسک  
بأثارهم ترجیح گفت در اعیان العلوم در بیان علمیه

این تفسیر کفایه است از باب ثانی در علم محمود و مذموم و همچنین  
 اثر صحابه پس بدرستی که آن هم دلالت دارد بر سنت چرا که صحابه  
 رضی الله عنهم بدرستی که مشاهده میکردند وحی و تنزیل را و دریا  
 میکردند بقرائن احوال آنچه را که غائب شد از خیر آنها بدیدن او و  
 گاهی احاطه کردن نتواند عبارات آنچه را که دریافت شد بقرینها  
 پس ازین سبب پسندیدند علمای اقتدای را باصحاب و تسکین را  
 بائمه را صحاب اتمی و ایضا فیہ قال فی الفصل الثانی فی وجه  
 التدریج الی الارشاد و ترتیب درجیات الاعتقاد  
 و علی هذا استمر الصحابة سرخی الله عنهم فالزيادة علی الاستقام  
 طغیان و ظلم و هم الاستاذون و القدوة و نحن الاتباع  
 و التلامذة ترجمه و نیز در این کتاب گفت در فصل ثانی در  
 تدریج بسوی ارشاد و ترتیب درجهای اعتقاد و بر همین گذشتند  
 صحابه رضی الله عنهم پس زیادتى بر استاذ طغیان و ظلم است

حال آنکه آن صحابه استاذان اند و پیشوایان و مایان تابعان و شاگردان  
انتهی و ایضا قال بعیدٌ هذا قال صلی الله علیه و سلم ما  
فضلکم ابو بکر بکثرة صیام و لا صلوة و لکن بسیر و قدر  
فی صدره رضى الله عنه و لا شک فی ان ذلك السر  
كان متعلقاً بقواعد الدین غیر خارج منها ترجمه  
نسی گفت ترتیب این فرمود صلی الله علیه و سلم فاضل نشد  
بر شما ابو بکر رض بسبب کثرت روزه ها و نه بسبب نماز و لیکن بسبب  
سرگیری گران شد در سینه وی رضی الله عنه و شک نیست در اینکه  
این سرود متعلق بقواعد دین نه خارج از قواعد دین انتهی ملاحظه  
فرمایند که اعتقاد افضلیت خلفای اربعه رتبه ترتیب خلافت چه  
ضروری در دین نزد این اولیاء الله است که این اعتقاد را از جمله  
اعتقاد یعنی کلمه ثانیه قرار داده و مستحقش را از اهل حق و عصای سنت  
فرموده و منکرش را از اهل ضلال و اهل بدعت شمرده و دعای یزید

وثبات برین عقائد برای خود و جمیع مسلمین نموده رضی الله عنهم و نیز  
 گفت در جلد رابع فی بیان ان وجوب التوبة عام في الاشخاص  
 پس از بیان توبه حضرت عیسی علیه السلام از توشد حجر و پس از بیان  
 توبه رشید المذنبین خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و  
 آله و اصحابه اجمعین از توبه که در آن علم بود و از شرک توبتین  
 با عاده شرک کنند اقوی ان الصديق رضي الله عنه بعد ان  
 شرب اللبن و علم انه على غير وجهه ادخل اصبعه في حلقه  
 لينخرجه حتى كما يخرج معه روحه ما علم من الفقه هذا  
 القدر وهو ان ما اكله عن جهل فهو غير اشوب ولا يجب  
 في فتوى الفقه اخراجه فلم تاب عن شربه بالتدارك  
 على حسب امكانه بتخلية المعدة عنه وهل كان ذلك  
 الا لیسر وقر فی صدره عرفه ذلك السر ان فتوى العامة  
 حديث اخر وان خطر طريق الاضرة لا يعرفه الا

الصمد یقون فتأمل احوال هؤلاء الذین هم اعرف  
 خلق الله بالله وبطریق الله ویمکروا الله ویمکون من الغرور  
 بالله الخ ترجمه آیات ویدی تو صدیق را رضی الله عنه بعد از آنکه  
 نوشید شیر و دانست که آن شیر بر غیر وجه اوست داخل کرد گشت  
 خود را در حلق خود تا که خارج نماید و را تا آنکه قریب بود که بر آندی  
 با او روح او آید دانسته بود از فقه این قدر مسئله که بدستیک  
 هر چه بخورد مردم نباشد انگلی پس او گنهگار نیست و واجب نیست  
 در فتوای فقه بیرون انداختن آن چیز را پس چرا توبه کرد صدیق رضی  
 الله عنه از نوشیدن آن شیر تبارک حتی الامکان خود بخالی کردن معده را  
 از شیر و نبود این امر مگر بسبب سترکیه بزرگ شد در سینه وی که شناسا  
 کرد و در این سربدر سترکیه فتوای عامه امر دیگرست و خطر راه آخرت را  
 کسی نشناسد بجز صدیقان پس تأمل کن در احوال اینهمه که آنها عارفین  
 اند از جمله خلق الله بخاری و بر او تعالی و بکرا و تعالی و

صلوات  
 علی من بعد  
 علی و آله  
 و ائمه  
 و اولاد  
 و خاندان  
 و فرزندان  
 و ...

بحسب بای پنهانی غور یافت ای تعالی و نیز در همین جلد در بیان  
 ان المستحق للحجة هو الله وحده اما صفة التزعة قال  
 سيد الانبياء صلوات الله عليه وعليهم اجمعين لا احصي  
 ثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك وقال سيد  
 الصديقين رضي الله تعالى عنه العجز عن ذكره الا اذا  
 ادراك سبحان من لم يجعل للخلق طريقا الى معرفته الا  
 بالعجز عن معرفته ترجمه فرمود سرور انبياء عليه و عليهم الصلوات  
 که شمردن نتوانم ثناء را بر تو چنانکه تو خود ثنا کردی بر نفس خود و گفت در  
 صدیقان رضی الله تعالی عنه که عجز از دریافت ادراک ادراک است چه  
 پاک است آنکه نگردانید برای خلق کدامی راه بسوی معرفت خود سوا  
 عجز از معرفت خود انتمی ازین عبارات و از لفظ اعرف خلق الله  
 و از لفظ سيد الصديقين و از تلقی احوال صديق اکبر رضی الله  
 در مقامات علیا و از سیاق و سباق تحریرات که بخوف اطالت

این حدیث در تفسیر حدیثی است که در کتابهای معتبره آمده است و در این حدیث آمده است که  
 ان المستحق للحجة هو الله وحده اما صفة التزعة قال سيد الانبياء صلوات الله عليه وعليهم اجمعين لا احصي  
 ثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك وقال سيد الصديقين رضي الله تعالى عنه العجز عن ذكره الا اذا  
 ادراك سبحان من لم يجعل للخلق طريقا الى معرفته الا بالعجز عن معرفته ترجمه فرمود سرور انبياء عليه و عليهم الصلوات  
 که شمردن نتوانم ثناء را بر تو چنانکه تو خود ثنا کردی بر نفس خود و گفت در صدیقان رضی الله تعالی عنه که عجز از دریافت ادراک ادراک است چه پاک است آنکه نگردانید برای خلق کدامی راه بسوی معرفت خود سوا عجز از معرفت خود انتمی ازین عبارات و از لفظ اعرف خلق الله و از لفظ سيد الصديقين و از تلقی احوال صديق اکبر رضی الله در مقامات علیا و از سیاق و سباق تحریرات که بخوف اطالت



بقدر ضرورت نقل کرده ام بی با فضیلت حضرت صدیق اکبر رضی در  
 امر باطن و ولایت بردن میتوانند و نیز در بسیاری جا علاوه از مقام  
 منقول به بیان معارف و محامد اصحاب ثلاثه رضی الله عنهم نموده است  
 حکما لا یخفى علی من طالعه احیاء العلوم و از آنجمله است در جلد اول  
 فی الباب الخامس فی آداب المتعلم والمعلم فی الوظيفة السادسة  
 و از آنجمله است در همین جلد فی کتاب قواعد العقائد فی الفصل الثانی  
 فی وجه التدریج الی الاشراف و از آنجمله است در همین کتاب  
 وفصل فی القسم الاول و از آنجمله است در همین جلد فی کتاب  
 اسرار الزکوة فی بیان دقائق الآداب الباطنة فی الزکوة  
 فی الوظيفة الاولى و از آنجمله است در جلد دوم فی کتاب  
 الاخوة والصحة فی الباب الاول فی القسم الرابع  
 و از آنجمله است در همین مقام بعد یک صفحه که در آن نزول آیه  
 وَلَا یَأْتِلُ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ فَأَنزَلَ رَحْمَتَهُ

سلام  
 شیخ محمد الحنفی  
 بنی زید در این  
 البیروت  
 آید و در ضمن  
 حضرت صدیق  
 اکبر رضی الله  
 عنه و در  
 یک بیت  
 ۲  
 فی کتاب  
 التدریج  
 و در ضمن  
 و فصل  
 و از آنجمله  
 و از آنجمله  
 و از آنجمله

نوشته است و تم در اینجا افاده فرموده کلامه اتفقوا علی اظهار  
 البغض للظلمة والمبتدعة الخ ترجمه همه فقهاء اتفاق  
 کرده اند بر اظهار بغض ظالمان و مبتدیان و از آن جمله است در  
 همین جلد در باب ثالث فی حق المسلم والرحمة والجوارس و از آن جمله  
 است در جلد چهارم فی کتاب الفقیر والتقیه فی الحالة الخ  
 و از آن جمله است در همین جلد فی کتاب التوحید فی بیان حقیقة  
 التوحید الذی هو اصل التوکل و برین قدر انحصار نیست  
 که ما و رای این مستندات و نشانیها مستندات دیگر نیز در این کتاب  
 مستطاب است و حضرت شیخ اکبر خاتم الولا یة المحمّیة صاحب  
 الفصوص والفتوحات المکیة شیخ محمّی الدین بن عربی در قوت و حیات  
 مکی سنی ما یبقی الفصل الاول من الباب الثاني فی معرفة الحروف  
 والحركات من العالمة الخ و قدی علیه السلام فی السیلة  
 اسرائه فی استیجابا شه بلغة ابی بکر قف ان ربای یصلی

این کتاب در کتابخانه  
 مجلس شورای اسلامی  
 تهران موجود است  
 و در دسترس  
 عموم است  
 و در این کتاب  
 از کتب معتبره  
 است  
 و در این کتاب  
 از کتب معتبره  
 است

فانس بصوت ابی بکیر خلق رسول الله صلی الله علیه وسلم  
 وایں بکیر من طینة واحدة النیر ترجمہ در فصل اول از باب ثانی  
 در معرفت حروف و حرکات از عالم تا آخر ندا کرده شد آنحضرت علیہ  
 السلام در شب معراج بوقت استیضاش او صلعم بلغت ابی بکیر رضی  
 توقف فرمای محمد بتحقیق پروردگار تو نماز میگزارد پس انس گفت  
 و صلعم یا و از ابی بکیر رضی که پیدا کرده شد رسول خدا صلی الله علیه  
 و سلم و بعد از آن اکبر رضی از طینت واحدہ همچنین گفت شیخ محمد  
 محدث دہلوی در مدارج النبوة جلد اول در روایات معراج و اما  
 شہوانیدین من ترا آواز یار ترا کہ ابی بکیر رضی اللہ عنہ برای آنست  
 کہ انس گیری تو و بحال خود بیائی درین مقام پرستی یا مگر چون  
 خواستیم ما کہ کلام کنیم برادر ترا موسی پس گرفت او را بیتی عظیم پس  
 پسیدم او را و ما کلام یقیناً یا موسی پس حاصل شد او را انس  
 بکیر عسا و بحال خود آید همچنین تو ای محمد خواستیم کہ انس گیری یا و از یار تو

که پیدا کرده شده تو و وی از یک طایفه و وی انیس است در وینا  
آخرت پس پیدا کردم فرشته را بر صورت وی که نیک تر از بلنت و  
تا ز اهل گردد از تو استیضاش الخ و ایضا فی الفتوح حاکم

فی الباب الثالث فی تنزیه الحق تعالی عما فی علی الکلمات  
و ترتیب النقطتین و لما لم یصح اجتماع صادقین معاً لذلک  
لم یقسم ابو بکر فی حال النبوی صلی الله علیه و سلم و ثبت مع  
صدقه قلوب فقد النبوی صلی الله علیه و سلم فی ذلک لظن  
و حضرة ابو بکر لقيام فی ذلک المقام الذی اقریه فی رسول  
صلی الله علیه و سلم لانه لیس ثم اعلی منه یحیی عنه  
ذلک فهو صادق ذلک الوقت و حلیه و فاسوا و تحت حلیه  
ترجمه و بهم در فتوحات کی در باب ثالث در پاکی حق تعالی از خود  
علی کلمات و ترتیب و نقطه و هرگاه صحیح نیست اجتماع دو صادق با هم  
بدرین سبب نه قائم شد ابو بکر در حال نبی صلی الله علیه و سلم و ثابت

با صدق خود پس اگر نبودی نبی صلی الله علیه وسلم درین مقام و حاضر  
 بودی ابو بکر رضی الله عنه قائم شدی در مقامیکه قائم کرده شده بود در آن  
 مقام رسول خدا صلی الله علیه وسلم زیرا چه بود کسی را بخاطر از صدیق اکبر  
 که محبوب کند و از این مرتبه پس او صادق این وقت است و حکیم است  
 و دیگران زیر حکم او هستند و در باب ثالث و ثلثین فی اقطاب  
 النبیات و اسرارهم و هذه الطائفة فی الرجال قلیلون فانه  
 مقام ضیق جدا یحتاج صاحبیه الی حضور سادات و اکثر  
 من کان فیہ ابو بکر الصدیق رضی الله عنه و لهذا قال  
 علی الخطاب رضی الله عنه ترجمه و این طائفة در مردان چند اقلیل اند  
 پس بر بستیکه این مقام تنگ است یقیناً محتاج میگردد صاحب این مقام  
 بسوی حضور و انمی کسیکه زیاده تر در آن مقام نازد صدیق اکبر و رضی الله عنه و این  
 گفت عمر بن الخطاب رضی الله عنه و در جلد ثانی در باب ثالث و سبعون  
 فی معرفة عدد ما تحصل من الاسرار للشاهد الخ لکن



الذي هو مقام القربة وهو لا فراذ وهو دون نبق الشريع  
في المنزلة عند الله وفوق الصديقية في المنزلة عند الله وهو  
المشارك اليه بالسر الذي وقفي صدر ابي بكر ففضل به  
الصدقين اذ احصل له في قلبه ما ليس في شرط الصدقة  
ولا من لوازمها فليس بين ابي بكر وبين رسول الله صلى  
الله عليه وسلم رجل لانه صاحب صد يقية وصاحب  
سري ترجمه و اين مقاميت كه ثابت كردم آنرا در میان صدقیت  
و نبوت تشریفی كه نام آن مقام قربت است و او ثابت است برای افراد  
و آن كثر از نبوت تشریفی است در منزلت نزد خدای تعالی و بالا س  
صدیقیت است در منزلت نزد خداوند تعالی و آن همان است كه اشاره  
كرده شده است بسوی وی بسركیه بزرگ شد و سید ابو بكر پس فاضل  
شد بسبب آن مقام از جمله صدیقان هرگاه كه حاصل شد او را و قلب  
چیزيك نیست در شرط صدیقیت و نه از لوازم آن پس نیست در میان

أبو بكر ودر میان رسول خدا صلی الله علیه و سلم کسی شخص چرا که اورا <sup>حضور</sup> صدیق  
 صدیقیت و صاحب سربست از حق و فی الباب الحادی و  
 الشّیین و مائة فی معرفة المقام بین الصدیقیة والنبوة  
 و من هذا المقام حصل لا یبکی <sup>و</sup> الصدیق السرا الذي  
 و فی نفسہ و ظهرت قوّة ذلك السرمع و قبه و قول  
 عائشة رضی الله عنہا رسول الله صلی الله علیه و سلم فی مرضه  
 حین امره ان یصل بالناس انه رجل أسیف و رسول الله  
 صلی الله علیه و سلم یعرف منه بالسرا الذي حصل عنده  
 ما لا تعرفه الجماعة فما بقی احد یوم مات رسول الله  
 صلی الله علیه و سلم الا و هل فی ذلك الیوم و خولاطی  
 عقله و تكلم بما لیس الامر علیه الا ابو بكر <sup>رضی</sup> الصدیق  
 فما طرأ علیه فی ذلك الامر بل سارق المنبر و خطب للناس  
 و ذكر موت النبی صلی الله علیه و سلم فقال من كان منكم

اسفند

نورالدين بن محمد بن عبد الله بن الحسين بن علي بن ابي طالب  
عليه السلام

44

۹  
از زبان بزرگوار  
یقال علیهم السلام  
اد افتاب من  
از خورشید  
منه قضا  
منه غنی



پسید محمد افاق محمد اقد مات ومن كان يعبد الله فان الله  
 حي لا يموت ثم تلاه انك ميت واهم ميتون وما محمد الا  
 رسول لئن لم يكن فسكن جاش الناس حتى قال عمر رضي الله عنه  
 والله ما تكاني سمعت هذه الآية الا في ذلك اليوم ترجمه  
 واز همین مقام حاصل شد مرا بی بکر صدیق رضا سرکیه عظیم شد  
 نفس وی و ظاهر شد قوت این سرور و قوت او و گفتن مایشه رضا  
 از رسول الله صلی الله علیه و سلم در مرض او صلی الله علیه و سلم گفت  
 امر فرمود او را برای نماز گردن بامردمان که او مرد است رقیق القلب  
 و حال آنکه رسول الله صلی الله علیه و سلم پیشاخت انجام آن از او  
 بسبب سرکیه حاصل شده بود نزد او صلعم صدیق را آنچه شناخته  
 بودند جماعت پس باقی نماند کسی بر روز وفات رسول خدا صلی الله  
 علیه و سلم مگر آنکه سهو و غلط کرد درین روز و اختلاط در عقل و  
 شد و سخن کرد بر خلاف مقصود بجز حضرت ابو بکر صدیق رضی الله عنه

سلام  
 بر این بزرگوار  
 و در این مقام  
 قیامت است  
 ای کاش می دید  
 این از جای

آنحالت اختلاطیه بروی رخسارین امر بلکه برآمد بر منبر و خطبه خواند  
 مردمان را و بیان کرد وفات نبی صلی الله علیه و سلم را پس گفت رخسار  
 سیکه از شامی پرستند محمد صلی الله علیه و سلم را پس تحقیق محمد صلی الله علیه و سلم وفات نمود  
 و هر که می پرستند خدای تعالی را پس بدرستی که خدا زنده است که  
 هرگز نمی میرد پس بخواند این آیه را که بدرستی که تو ای محمد بیت هستی  
 و آنها هم بیت هستند و نیست محمد صلی الله علیه و سلم مگر رسول الله پس تسکین یافت  
 و اضطراب عظیم دلهای مردمان تا آنکه گفت عمر رضی الله عنه که والله گویا  
 نشنیده بودم این نیت را سوای امروزه انتهی و ایضا فی الجلد الثانی  
 فی الباب الموفی سبعین و مائتین فی معرفة منزل القطب  
 و الامامین محمد صلی الله علیه و سلم عبد الجامع و ما من  
 قطب الا وله اسم یخصه شرائد علی الاسماء العظمی الذی  
 هو عبد الله سواء کان القطب نبیا فی زمان النبوة  
 المقطوعة او ولیا فی زمان شریعة محمد صلی الله علیه و سلم

وكذلك الامامان لكل واحد منهما اسم يخصه ينادى  
به كل امام في وقته هناك والامام الايسر عبد الملك و  
الامام الايمن عبد سربه وهما القطب الثوريان فكان ابو بكر  
رضي الله عنه عبد الملك وعمر رضي الله عنه عبد سربه  
في زمان رسول الله صلى الله عليه وسلم الى ان مات  
صلى الله عليه وسلم فسمي ابو بكر عبد الله وسمي عمر  
عبد الملك وسمي الامام الذي ورث مقام عمر عبد سربه  
ولا يزال الامر على ذلك الى يوم القيمة انما ترجم  
محمد صلى الله عليه وسلم عبد جامع بود و قطبي نيست مگر اينکه مراوراي  
خاص باشند زانکه بر اسم عام که او عبد الله است برابرست که باشند  
آن قطب نبی در زمان نبوت مقطوعه يا ولي در زمان شيعت محمد  
صلى الله عليه وسلم و همچنين دو امام اند که برای هر يك از ایشان اسم است  
مخصوص که نذاکرده میشوند بآن اسم هر امام در وقت خود استجاب و انما

عبد الملك و امام راست عبد الرب و آن مرد و امام برای قطب دو وزیر  
 باشند پس بود ابو بکر رضی الله عنه عبد الملك و بود عمر رضی الله عنه  
 عبد الرب در زمان رسول خدا صلی الله علیه و سلم تا آنکه وفات فرمود  
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم پس نام نهاده شد ابو بکر رضی الله عنه  
 مسمی شد عمر رضی الله عنه و موسوم شد ابوبکر و ارث شده بود در  
 مقام عمر رضی الله عنه و همیشه باشد این امر برین انتظام تا روز قیامت  
 قال بحمد الله و ملك الله اسند الفضلاء  
 العرفاء و كانا عبد العلي رحمة الله عليه في  
 حاشيته على حاشية السيد الزاهد العلقه على  
 رسالة التصور والتصديق و ذكر في كتاب التجليات  
 من لقي منهم خليفة رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 أمير المؤمنين ابوبكر الصديق رضوا أمير المؤمنين  
 عمر رضوا أمير المؤمنين علياً رضي الله عنه و ذكر

۴۳  
 له  
 اس  
 صاحب  
 الفصوص  
 و التوحفات  
 ۱۴

حكايات لطيفة وذكران امير المؤمنين علياً رضي الله عنه  
 قال انت اخي قلت نعم فواخيتته قلت اين ابو بكر قال ما  
 قلت اسريد الحق به حتى اسأله ما سألتك قال انظر  
 في النور الابيض خلعت سرادق الغيب فتركته وانصرفت  
 ودخلت في النور الابيض خلعت سرادق الغيب  
 فالتقيت ابا بكر لصديق رضى على راس الدرجة  
 مستنداً ناظراً الى الغرب عليه حلة من الذهب  
 الا نهى له شعاع ياخذ الابصار قد اكتنفه النور  
 ضارباً بآبائه نحو مقعد ساكن لا يتكلم ولا يتحرك  
 كانه الميهوت فناديته بمرتبتين ليعرفني فاذا انت  
 اعرف بي مني بنفسى فرفع رأسه الي قلت كيف الامر  
 قال هو ذا ينظر في قلبي قلت له ان علياً قال كذا وكذا قال  
 صدق علي وصدقنا انا وصدقنا انت قلت فما فعل

له  
 ضارباً  
 بذنته  
 نحو مقعد  
 يقال ضرب  
 يثبته  
 لا يتكلم ولا يتحرك  
 كانه الميهوت  
 فناديته

قال ما قال لك رسول الله صلى الله عليه وسلم قلت هو مقامك  
 قال هو مقامه صلى الله عليه وسلم قلت قد وهبه لك  
 قال فقد هبته لك قلت هو بيدك قال خذ فخذ هبته  
 لك انه ترجمه و ذکر کرد شیخ اکبر رضا در کتاب تجلیات آن کسانرا  
 که ملاقات کرد از آنها که خلیفه رسول الله صلى الله عليه وسلم اند یعنی  
 امیر المومنین ابوبکر صدیق رضا و امیر المومنین عمر رضا و امیر المومنین علی  
 و بیان کرد حکایات لطیف و ذکر کرد که امیر المومنین علی رضی الله عنه فرمود  
 که تو برادر منی گفتم بی پس مواخات کردم از وی رضا پرسیدم کجاست ابوبکر  
 گفت پیش ازین ست گفتم که میخواهم حقوق را با وی تا که برسم از وی آنچه  
 پرسیدم از تو گفت علی رضا که بمن در نور ابیض پس پردای غیب پس  
 گذاشتم علی رضا را و برگشتم و داخل شدم در نور ابیض پس پردای  
 غیب پس دیدار کردم با بکر صدیق رضا را بر علی درجه در حالیکه تکیه زده  
 بیننده بود بجانب مغرب بروی محله بود از زردیش بها فخره که او را شکار

بود که خیره میکرد و چشمان را بدرستی که محیط شد و راز را نور در جای که ترسان  
و ساکت بود که کلام نیکو و نور و حرکت مینمود گویا که او را در مقام تحیر است  
پس ندا کردم او را و راز دوبار تابش را شناسد مرا پس دفعه ظاهر شد که تحقیق او  
را شناسا تر است ما را از ان بنفس ما پس برداشت سر خود را سوی من عرض کرد  
که حال چیست فرمود که آن خداوند تعالی که اینست می بیند در من گفتم  
از وی بدرستی که علی رض فرمود چنین چنین فرمود رض راست گفت علی رض و راست  
گفتم من و راست گفتی تو پرسیدم پس چه کنم من فرمود آنچه فرمود ترا رسول الله  
صلی الله علیه و سلم گفتم که آن مقام خاص است فرمود آن مقام آنحضرت  
صلی الله علیه و سلم است گفتم که تحقیق عطا فرموده است آن مقام را بر  
خاص تو فرمود که حالیا تحقیق نجشیدم ترا گفتم آن مقام با اختیار است فرمود  
بگیر آنرا پس بیشک نجشیدم من او را بتو و از امام اهل شیخ  
ابو نجیب سلمه روزی روح در آداب المریدین در  
مقام عقائد تصوفین بشنود افضل البشر بعدد البکر فی الخ و شرح آن

این کتاب از  
سید محمد  
باقر خراسانی  
محقق  
مشهد

حضرت شیخ نجم الدین کبری

صفیاء خاتون  
در شاپ  
فانکلیپ  
اسرار احمد  
مستقل

سید الدین

سید شمس الدین  
آداب الکرامت  
راشخ کنی کفایت  
ز فزونان من  
خواه که در اندام  
آن فرزند پیچ  
نمیست  
ای می





تنها اورا بدینند که این سنت و سنیست پس ازینجا بر آئین فضل بر همه  
بجز از انبیا و رسل علیهم السلام اورا بود بر جمله امت انتهی ازینجا فضل  
بجمیع الوجوه مر صدیق رضرا مستند بی شود چه ثواب هر قسم فضائل  
که دیگر از را بود جمله مجموعه صدیق اکبر رضرا تنها بود و علاوه است از این  
فضائل ذاتی مخصوصه که بآنها حضرت صدیق رضرا ممتاز و متفرد است  
و ایضا اقول هذا كما قال صاحب الاشباه والنظائر  
فی فضائل الامام الاعظم ابی حنیفة مراح  
وهو كالصديق رضي الله عنه وله اجرة واجر من دون  
اللقه والفة و فرع احكامه على اصوله الى يوم القيامة  
فقط ترجمه و نیز سیکویم این چنانست که گفت صاحب اشباه  
و نظائر در فضائل امام اعظم ابو حنیفه رحمه الله که اورا رحمه الله تعالی  
مثل صدیق اکبر رضرا رضی الله عنه و برای او اجر است و اجر آن  
کس که تدوین کرد فقه را و تالیف کرد او را و بر آورد احکام فقه را بر اصول

فضل باعتبار ظاهر  
 و باطن این نظر  
 پیراسته است  
 و فیض است  
 اگر در علوم و دیگر  
 فضائل حضرت  
 صدیق اگر بر من  
 از حضرت علی رضی  
 الله عنهما  
 و  
 انظار  
 به عقاید  
 حکما را شایع  
 امام ابراهیم  
 با حقیقت صدیق  
 و شایع  
 که ظاهر و  
 و ظاهر و  
 علو و

دستخط  
داری  
مظالم

تا روز حشر انتی بر همین نسق حضرت شیخ الاسلام شیخ فرید گنج شکر  
 در راحت القاب در مجلس سینه و هم ماه ذیحجه ۱۵۵۵ شش  
 صد و پنجاه و پنج هجریه میفرماید که مردم را بیاید که درین چهار نذر  
 بیع شک نیارد تا مسلمان سنی باشد اما بالقطع و یقین بدانند و بدان  
 اعتقاد کنند که مذہب امام عظم ابوحنیفه کوفی روح بر حق و از همه فاضلتر  
 و دیگران پس روح مذہب او نیز زیر پایه اول مذہبیکه در عالم بنا کرد  
 امام عظم هر بود و الفضل للمتقدمین عند الله تعالی و مذہبیکه  
 ما داریم مذہب ابوحنیفه کوفی است رحمة الله علیه اقول مذہب امام  
 ابوحنیفه روح و اعتقادش در فقه اکبر تصنیف اوست رضی الله  
 عنہ نیست افضل الناس بعد رسول الله صلی الله علیه وسلم  
 ابو بکر صدیق ثم عمر بن الخطاب ثم عثمان بن عفان  
 ثم علي بن ابي طالب رضي الله تعالى عنهم اجمعين ثم  
 افضل من مردمان بعد رسول الله صلی الله علیه وسلم ابو بکر صدیق است

گوئیہ اور سہیل

[illegible][illegible]

سلسله عاليه اوتا بحضرت علي مرتضى رضا پير صافات افاده فرمود که  
 بهتر از علي رضا بود و همچنین حضرت غوث الثقلین و حضرت شیخ المشائخ  
 سلطان الاولیاء نظام الدین اولیا و دیگر ائمہ طریقت که سلسله جلیله  
 این اولیای کبار بحضرت امام الثقلین علی مرتضى رضا منتهی است همه حق  
 بین و متفق و حق پسند و متفق درین عقیده اند باز حضرت مخدوم و الملک  
 در همان شرح ادواب المردین میفرماید هر یکی ازین بی دیگر محال  
 بود که ظاهر بی باطن اتفاق بود و باطن بی ظاهر زندقه بود و ظاهر مرتبت  
 بی باطن نقص و باطن بی ظاهر بوس انتهی پس چگونه انکار از مراتب  
 باطنی و اقرار از مراتب ظاهری صرف در اصحاب کبار رضا از مسکن  
 وقوع آید نیست این نکتہ تجویز اتفاق بر اصحاب کبار رضا معاذ الله من  
 ذلك باز حضرت مخدوم جهان در همان شرح میفرماید  
 ذکر آدابهم فی حال البدايه قوله قال علیه السلام لعل  
 ایمان ابی بکم مع ایمان امتی اصل الا رض لوجه و قال علیه السلام

مَا قَاقَ ابْنُ بَكْرٍ بَكْرَةَ الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ لَكِنْ بَشِيٍّ وَقَرِيٍّ قَلْبِهِ  
 خَدَمَتْ شَيْخَ رَحْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِ دَلِيلٌ لِي آتَى مِنْ خَيْرِ رَأْيِهِ لَكِنْ عَمَلُ حَرَكَاتٍ وَلِ  
 بَرْتَرِيسْتِ مِنْ أَعْمَالِ حَرَكَاتٍ جَوَارِحِ زِيرِ كَرَامَتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
 وَسَلَّمَ فَمُرُودُهُ اسْتَأْذَنَ أَنْ يَكُونَ زَيْنُ كَرْدِ شُودِ اِيْمَانِ ابْنِ بَكْرٍ اِيْمَانِ اَهْلِ رُكُ  
 زَيْنِ بَرْتَرِيسْتِ اِيْمَانِ ابْنِ بَكْرٍ اِيْمَانِ اِهْمِ رَاجِ اَيْدِ دَلِيلِ دِيْكَرِ اَيْدِ  
 پِيْغَامْبِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمُفْتَدِ اسْتِ بَرْتَرِيسْتِ اَبُو بَكْرٍ بِسِيَّارِي نَمَازِ وَرُفُزِ وَ  
 لِيَكِنْ بَرْتَرِيسْتِ بِيْخِيْزِيْكَ اَنْ بَرْتَرِيسْتِ اِيْمَانِ اِهْمِ رَاجِ اَيْدِ دَلِيلِ دِيْكَرِ اَيْدِ  
 حَوِيْ تَبَسُّ ثَابِتِ شُدْ كِهْ عَمَلِ حَرَكَاتِ قَلْبِ بَرْتَرِيسْتِ اِيْمَانِ اِهْمِ رَاجِ اَيْدِ دَلِيلِ دِيْكَرِ اَيْدِ  
 وَ اَكْرَنْ دَرِ عَمَلِ جَوَارِحِ اِهْمِ رَاجِ اَيْدِ دَلِيلِ دِيْكَرِ اَيْدِ  
 اَبُو بَكْرٍ اَبُو دِيْكَرِ اِيْمَانِ اِهْمِ رَاجِ اَيْدِ دَلِيلِ دِيْكَرِ اَيْدِ  
 وَفَاتِ رَسُوْلِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا لَمْ يَنْظُرْ مِنْ حَالِ  
 غَيْرِهِ حِينَ صَعِدَ الْمَنبَرِ فَحَمْدُ اللَّهِ وَاتِّبَاعُهُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ  
 يَعْبُدُ مُحَمَّدًا فَإِنْ مُحَمَّدًا قَدْ مَاتَ وَمَنْ كَانَ يَعْبُدُ رَبَّ مُحَمَّدٍ فَإِنْ

الله حجة لا يموت واین تائید است که خدمت شیخ می آید بر آنکه فوقیت ابو بکر  
 بر همه خلق بدان بود که ساکن شده بود در دل وی نه بینی که ظاهر شد از  
 حال وی بعد از وفات پیغامبر صلی الله علیه و سلم آنچه ظاهر شد از حال دیگر  
 از صحابه رضی الله عنهم تا آنکه گویند آن روز تنی و ستر نیز از صحابه بوده اند آنکه  
 که ابو بکر صدیق رضی الله عنه بر منبر برآمد پس خداوند تعالی را حمد گفت و  
 بروی شاکر و پس گفت هر که از شما می پرستید محمد را پس بدرستی و راستی  
 که محمد مرد و هر که از شما می پرستید خداوند محمد را پس بدرستی و راستی که  
 پروردگار محمد زنده است که برگزیده و بزرگان اینجامیگویند که دانند که  
 صدیق رضی الله عنه دیده بود تا سزوی چنان شغول آن بود که هیچ چیز ویران  
 جای نبردی فشتان بین التواقیین پس بدین وجه فرق بود در میان  
 دو تعظیم یکی تعظیمیست که او را از جای می برد فوخت دوستی یا فرزند است  
 و یکی تعظیمیست که او را بجنبانند فوخت سید پرورد جهان اما اگر کسی که تا  
 بنویزطایران فقط فطر کند گمان برد که استصفا شرح است و نه چنین است

فخر سادات و شایسته  
 بزرگان و علما  
 و صاحبان  
 و شاکر  
 این است که  
 آنست که فضل  
 بشکر بعد از آن  
 ابو بکر زنده است  
 عمر رضی الله عنه  
 عثمان و دیگران  
 علی رضی الله عنه  
 عقیق و امیر  
 مد ظله العالی

که قدر و خطر خلق باضافت قدر حق همه خردست در تحقیق اقول حضرت  
 مولانا روم قدس سره در شتوی شریف در دفتر ششم  
 در معنی حدیث موافق قبل ان تموتوا ای فرماید  
 مصطفی زین گفت کای اسیر جو + مرده را خواهی که بینی زنده تو +  
 میرود چون زندگان برخاکدان + مرده و جانفش شده بر آسمان +  
 هر که خواهد گوید به بیت بر زمین + مرده را که میرود و ظاهر حقین +  
 مرا بود بکشتن تو را که به بین + شد ز صدیقی امیر الصادقین +  
 اندرین نشانه نگر صدیقی را + تا بجزاف و فزون کنی تصدیق را +  
 ایضا در دفتر ایضا در قصه بلال رضی فرماید + آنچه اندم از لب صدیقی  
 جست + اگر بگویم کم کنی تو پا و دست + آن نیایع حکم همچون فرات +  
 از دمان او دروان از بهجت + همچو از سنگی که آبی شد روان +  
 ز پلومایه دارد تو میان + اسیر خود کرده حق آن سنگ را +  
 آب دینارنگ را به چمنان کن چشمه چشم تو نور + او روان کرد دست بی خلوت

اینها افضل  
 ولا در بید  
 اینها افضل  
 اینها افضل  
 اینها افضل





دو شستا دو سیم سیم سید عالم علیه السلام گفت نه اگر ده شستا و ده  
 باین محل نرسید اعرابی گفت چه چیز او را محفل او که بزرگ است نه بران  
 اشارت است بلکه محل او بچیز نیست و قوفی قلبه و آن غلط و حلال  
 خداوند است که در سر وی پیدا کرده است معلوم شد که او را محل  
 خاص بود که دیگران را نبود رضی الله عنه انشی باز بهین شیخ الاسلام  
 مخدوم جهان در مکتوبات هست و هشت که در خاص  
 حل مشکلات و معاملات حضرت مخدوم مظفر بلخی است و اظهار آن  
 مکاتیب را منع فرمود که موجب افشای سرربوبیت است این حد  
 نوشته در مکتوب دهم لم یفضل ابو بکر بکثرة صلوٰة ولا بکثرة  
 صوم انما فضل لشیخ و قسری صدمه سیرچه ابو بکر رضا بود ازین  
 بود و بعد در اینجا میفرماید آنکه نوشته بود در باب شانیه سیرچه که در مکتوب  
 باید خواند همه در شانیه فرو خواندم گوی این شانیه در پیش دل من  
 چیزی بیان میکند نشانیهای مخدوم آنچه نشانیهای من میرسد

افضل مطلقه  
 خصوصیت کامله  
 و چون حضرت سیدی  
 اگر در این باب شریک  
 منه مطلقه العالی  
 در کتب معتبره  
 حضرت مخدوم عالم  
 باین حد  
 رضی الله عنه  
 افضل مکتوب  
 بعد از این  
 فی الصلوة و غیره  
 مخدوم دهم  
 مخدوم دهم  
 در مکتوب  
 خاص در مکتوب  
 شریک در مکتوب  
 آنکه افضل است

الانیا دوست بخت  
 ابو بکر رضا بود ازین  
 از مکتوب دهم  
 تا آخر کتاب  
 مخدوم دهم  
 مخدوم دهم  
 مخدوم دهم

نیشستن چه حاجت نزدیک است این معنی بدانکه ما صبا الله شایدا  
فی صدری الا وقد صیبتہ فی صدرای بکثر و این صبا  
از دل بدل بود و زبان را خبری چون مرید با دل پیر مقابل افتد  
بر قدر مقابله از آن دل برین دل صبا شود اگر نیشستن و زبان  
نبود چه زبان و این استخوان مرید بی نهایت عزیز است اثنی و نیز همین بخدا  
جهان قلب عارفان در مکتوبات صمدی در مکتوب بست بیستم  
سیفراید و هم از بیعتی است که خواجہ کوثرین فرمود <sup>ع</sup>ای الله یجمل الخلق  
عامۃ و لای بکثر خاصۃ یعنی معرفت صدیق رضا که بوی جگر سوخته  
او بمشام ساکنان قدیس رسیدی کاملتر بود پس لذت او از دوست  
بیشتر بود اثنی اینجا هم افضالیت بجمع وجود فضائل آشکار است که  
هر کسی را بر قدر که فضائل خواهد بود مقصود از آن همان ثواب عزالدست  
و نیز آن شناخت ثواب همان تجلی و رویت حق است و در تجلی و معرفت و  
لذت حضرت صدیق اکبر رضا اکثر و افضل برآمد از جمله عالم و هم همین

[illegible]



سلطان احمد چارم يوسف شهبازي قدس سره في هذا الفقهى، كما ذكره في



فی صدری الاوقاد صیبت فی صدری بکرا منور و در مکتوب  
 صدر و پنجم میفرماید حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه قدم بکمال رسانید و در  
 خاریار غار شد و گفت من خدای تعالی را در حسابان محمد مصطفی  
 صلی الله علیه و سلم دیدم سبحان الله قدر پیران مریدان چه دانند که گفته  
 میکرد ایشانرا شناخت خدای تعالی را یافت و هر که خدای تعالی را  
 یافت ایشانرا شناخت انج و نیز در همین مکتوب میفرماید فقره  
 اهل صفه را معلوم است که چنان بر ایشان فقر بود و ابو بکر و علی  
 رضی الله عنهما را بر فقر داشته و عثمان و عبد الرحمن بن عوف را  
 بخند و لیسر گماشته چون بفرمان پیروی هیچ زیان نداشت و هیچ نقصان  
 نمی یافت بلکه همه کمال بکمال بود و همه جمال بر جمال می افزود و انج  
 و نیز در همین مکتوب میفرماید غیر صحابی اگر چه در مرتبه رفیع رسد و صاحب  
 ولایت و صاحب تصرف و عطا گردد و بمرتبه صحابه بکرام رضی الله عنهم  
 نرسد که فضل صحبت کلی است و آن فضل جزئی و فضل جزئی

با فضل کلی برابر نبود از اینجا است که صدیق اکبر را بر جمله اولیای عالم  
فضل آمد که از ابتدای آنها فضل صحبت یافت ما حسب الله شیئا  
فی صدری الا وقد صببت فی صدری بکسر شفاقة الخ  
و در مکتوب صدوسی و چهارم میفرماید مع ذلك تذکره از  
ضلالت و اعتقاد آن شرط راه مردان خدا و اهل حق است و من  
علامة المسنة و الجماعة فضل الشيخین و حب الختین فمن  
فضل علی الشيخین قمر شیا کان او عمر شیا ولیا کان او علیا  
فهم من اهل الضلالة و الخارج من اهل الهدایة و اصهار  
العصیان یورث سلب الایمان و العیاذ بالله من ذلك  
فاین المقام و الحال الخ و در مکتوب صد و شصت و سوم  
میفرماید و علی را بر جمله اصحاب فضل دهد و آن را فضا است  
و تسبیح برهوزه جائز ندارد و برپای سجده کند و آن شیعه است الخ  
در فتاوی برهینه نیز از تمهید گفته علمای سنت و جماعت گفته اند

که افضل خلق است بعد از انبیا و رسل امیر المؤمنین ابو بکر صدیق  
 رضی الله تعالی عنه فی الحدیث لم یفضلکم ابو بکر بکثرة صلوة  
 ولا بکثرة صوم وانما هو بشیء وقر فی قلبه وگویم که علی شجاع تر  
 از او بود بلکه علی شجاع بود و او شجاع تر کما فی السجود ابرار فی تفضیل  
 در امر باطن نیز توضیح تمام با عقدا و اولیای کرام روح بر آمده و حضرت  
 فرید الدین عطار رحمت بر همه این حدیث در منطق الطیر  
 میفرماید صدر دین صدیق اکبر قطب حق در همه چیز از همه بزرگ  
 سبق و آنچه حق از بارگاه کبریا در ریخت در صدر شریف مصطفی  
 آن همه در سینه صدیق ریخت و لا جرم تا بود زو تحقیق ریخت و  
 حضرت شیخ سعدی شیرازی علیه الرحمة میفرماید ای  
 یار غار سید و صدیق نامور و جمشید فضائل و گنجینه صفات  
 و سلطان الاولیای شیخ المشائخ حضرت نظام الدین اولیاء  
 در افضل القوات که جمع کرده سرگروه عشاق عالم و عارف

از انبیا و رسل  
 عطا رحمت  
 انصاف است  
 و چه بسا که  
 اول و اولیای  
 و شکر و توفیق  
 و در این  
 از او  
 مقام نسبت از  
 فوق عالم  
 کرده اند  
 غلظت العالی  
 فضائل و صفات  
 که در صاحب  
 اند و همه  
 بود آن همه  
 و همه در صدیق

از نظام الدین اولیاء  
 و در این  
 و در این  
 و در این  
 و در این



حضرت امیر خسرو علیه الرحمۃ است میفرماید در بیان آنکه امیر المؤمنین  
 ابوبکر صدیق رضی عنہ را صدیق از کجا گویند بلفظ مبارک آنکه فاضلتین جمله با  
 پیغمبر بود و نیز چون رسول علیه السلام از معراج بازگشت هر چه فرمود  
 تصدیق نمود و استوار داشت و نیز صدق او بسیار بود و بعد از  
 فرمود که چون رسول علیه السلام بدولت رسالت مشرف گشت  
 اول کسی که بکیش آمد ابوبکر رضی عنہ بود که بر سالت رسول صلی اللہ علیہ  
 وسلم تصدیق آورد و بیک سخن ایمان آورد و گفتگو نیفتاد و نام  
 امیر المؤمنین ابوبکر صدیق رضی عنہ بر قرص آفتاب نبشته اند از زمانیکه  
 آفتاب بر بام کعبه میسر شد از آنجا میگذرد و چنانچه فرشتگان بنا  
 امیر المؤمنین ابوبکر صدیق رضی عنہ سوگند میدهند نگاه آفتاب از آنجا میگذرد  
 انتہی بلخصاً و در فوائد القوا و همین سلطان الاولیاء میفرماید  
 در مجلس روز یکشنبہ بیست یکم ذیحجہ ششم ہفتصد و ہشت ہجری  
 جبرئیل علیہ السلام بحضرت رسالت آمد صلی اللہ علیہ وسلم کلیم بود شہید

و سخی بران زده رسول علیه السلام و التیجه پرسید که این چه لباس است  
 تجریل علیه السلام گفت یا رسول الله امروز جمله ملائکه را فرمان شده است  
 که برهوافتت ابو بکر صدیق رضی الله عنه بپوشند و سخی بران زندانستی در  
 رشحات که موقوف حضرت خواجہ محمد علی الدار است قدس سره  
 سره در مقصد دوم در فصل اول شرح پیچیدہ موجود کہ در معنی حدیث  
 الیوم تسدل کل فرجة الخ میفرمودند مسجدیکہ حضرت نبی صلی الله  
 علیه وسلم در آن نماز میگزاردند چندین در داشت آنحضرت صلی الله  
 علیه وسلم در مرض اخیر فرمودند تا اکثر فرجہا را ببستند و آن در کہ بر فرائد  
 حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه بود باز نگذاشتند پس فرمودند الیوم تسدل  
 کل فرجة الا فرجة ابی بکر رضی الله عنه آری اب تحقیق درین باب  
 سخنی دارند و آن اینست کہ حضرت صدیق رضی الله عنه را کمال نسبتی  
 بحضرت رسول صلی الله علیه وسلم ثابت بود آنحضرت صلی الله علیه  
 وسلم درین حدیث اشارت بآن معنی کردند کہ ہمہ نسبتہا و طریقہا در

نسبت جی سدر دست و آنکه موصل بموصل مقصودست جز این  
نسبت نمی نیست و رابطه عبارت ازین نسبت جی است بصاحب<sup>لین</sup> جید  
که اعتقاد و واسطی را لائق باشد و طریق<sup>لین</sup> خواهد گمان قدس التدریج<sup>لین</sup>  
که بحضرت صدیق اکبر<sup>لین</sup> منسوب است از حقیقت این نسبت جی است  
و طریق عزیزان بحقیقت نگاہ داشتند این نسبت حقیقتی است و قیاس  
در بیان تحصیل این نسبت جی این ابیات خوانند که می بینید  
این دریکه سویی دوست یار کن و ز شکافش فرجه آغاز کن و الخ  
پیش<sup>لین</sup> مولانا روم قدس سره<sup>لین</sup> محبت رح در مدارج النبوة در جلد  
اول در وصل بیان و قار آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفته و در حدیث  
دیگر آمده است که ابو بکر رضی الله عنه در پیش آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
سنگریزه در دهن گرفته می نشست تا دم تواند زد و سخن کرد و نظر  
بر جمال آنحضرت صلی الله علیه و سلم دوخته رابطه محبت را نگاه میداشت<sup>لین</sup>  
و نیز در وقایع سال نهم از هجرت مثل این آورده در مقامات حضرت



قد رجعنا من جهاد الاصفهين  
سمل شیری دان که صفها  
تا شود شیر خدا از خون او  
در بیان این ش نو یک قصه  
بر عرض آمد ز قیصر یک رسول  
گفت کو قصر خلیفه ای چشم  
قوم گفتندش که او را قصر نیست  
گر چه از میری در آوازه است  
ای برادر چون نه بینی قصر او  
چشم و دل از موی علت پاک او  
چون رسول روم این الفاظ  
دیدہ را بر جستن مگر گذشت  
سر طواف اندر سپی آن مرد کار

لا  
 حضرت مولانا  
 الدار فاضل  
 بطن علیت  
 در مقام  
 عین نو  
 الاله یا  
 قلوب  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰



و نیز نواز شهماست حق ابدال را  
 هست بسیار اهل حال از صفی  
 شیخ کامل بود و طالب مشتی  
 دید آن مرشد که او را شاد است  
 آن شیخ صفی ایضا در قول در گفتن گفت  
 آن زمان حق بر عمر خوابی گماشت  
 در عجب افتاد کاین معهود نیست  
 سر نازد خواب بر دش خواب دید  
 گردانیدن عمره نظر بر چنگ را از مقام گریه که هستی است بمقام استغراق  
 هست هم آثار بسیار است تو  
 بعد از آن او را از آن حالت بلند  
 چون که فاروق آئینه اسرار شد  
 همچو جان بی گریه و بی خنده شد  
 جان پیر از اندرون بیزار شد  
 جانش رفت و جان دیگر زنده شد

و نیز نواز شهماست حق ابدال را	هست بسیار اهل حال از صفی
شیخ کامل بود و طالب مشتی	دید آن مرشد که او را شاد است
آن شیخ صفی ایضا در قول در گفتن گفت	آن زمان حق بر عمر خوابی گماشت
در عجب افتاد کاین معهود نیست	سر نازد خواب بر دش خواب دید
گردانیدن عمره نظر بر چنگ را از مقام گریه که هستی است بمقام استغراق	هست هم آثار بسیار است تو
بعد از آن او را از آن حالت بلند	چون که فاروق آئینه اسرار شد
همچو جان بی گریه و بی خنده شد	جان پیر از اندرون بیزار شد
جانش رفت و جان دیگر زنده شد	

و نیز نواز شهماست حق ابدال را  
 هست بسیار اهل حال از صفی  
 شیخ کامل بود و طالب مشتی  
 دید آن مرشد که او را شاد است  
 آن شیخ صفی ایضا در قول در گفتن گفت  
 آن زمان حق بر عمر خوابی گماشت  
 در عجب افتاد کاین معهود نیست  
 سر نازد خواب بر دش خواب دید  
 گردانیدن عمره نظر بر چنگ را از مقام گریه که هستی است بمقام استغراق  
 هست هم آثار بسیار است تو  
 بعد از آن او را از آن حالت بلند  
 چون که فاروق آئینه اسرار شد  
 همچو جان بی گریه و بی خنده شد  
 جان پیر از اندرون بیزار شد  
 جانش رفت و جان دیگر زنده شد

و نیز نواز شهماست حق ابدال را  
 هست بسیار اهل حال از صفی  
 شیخ کامل بود و طالب مشتی  
 دید آن مرشد که او را شاد است  
 آن شیخ صفی ایضا در قول در گفتن گفت  
 آن زمان حق بر عمر خوابی گماشت  
 در عجب افتاد کاین معهود نیست  
 سر نازد خواب بر دش خواب دید  
 گردانیدن عمره نظر بر چنگ را از مقام گریه که هستی است بمقام استغراق  
 هست هم آثار بسیار است تو  
 بعد از آن او را از آن حالت بلند  
 چون که فاروق آئینه اسرار شد  
 همچو جان بی گریه و بی خنده شد  
 جان پیر از اندرون بیزار شد  
 جانش رفت و جان دیگر زنده شد

حال و قالی از و رای حال و قال	غرقه گشته در جبال ذوالجلال
غرقه نمائی که خلاصه باشدش	یا بجز دریا کسی بشناشدش

اینج علایق ازین اسناد منقول بسیار اسناد دیگر درین مثنوی شریف  
 و کتب و ملفوظات اولیاء اللہ تعالی موجود است کہ بخوف طوالت قوت  
 و ملائت علماء سنج نکردم و هر قدر کہ نوشته شد برای تشنگان  
 هدایت و سالکان طریقه اولیای سنت و جماعت کافی و وافی است  
 و با اینهمه قاعده کلیه کہ شفق علیہ تمامتہ شاخ و برای بگنان عصا  
 هدایت است از ملفوظات شیخ الاسلام حضرت فرید گنج شکر کہ جمع کرده  
 شیخ المشائخ حضرت نظام الدین اولیا قدس سرہا و سے  
 یراحت القلوب است و در مجلس نهم ماہ شعبان ۵۵۶  
 شش صد و پنجاه و پنج نوشته است مینویسم کہ فرمودہ ہر کہ از مرید  
 و شاخ بر قانون مذہب اہل سنت و جماعت نباشد و حکایت او فوق  
 کتاب اللہ و سنت رسول اللہ نباشد او در معنی یکے از راہ زنان است





چو حالت بزرگوار  
بدر که خلد صبا خوش  
واضا در لعلون  
انسان شادون  
خضر علی و شکر  
مهر و ملاقات ارفق و اکبر  
نشد اندر آهسته بار طلقه العباسی

که در کتب معتبره  
از انوار کمال  
حقیقت آن در  
کلیت خاصه  
منطقه الهامی  
سلسله قادریه  
استقامت رجبی

<p> یابرون آید ز مسجد آن زمان  پیشده از نوریزدان صحن و امام  کمر برینا ناطق بر آن نور بود  تا زگرے فهم کرے آن خبر  لیک این گرے کشاید دیدار  کور چون شد گرم از نور قدم  این نصیب کور باشد از آفتاب  وانکہ او این نور را بینا بود </p>	<p> یابرون آید ز مسجد آن زمان  پیشده از نوریزدان صحن و امام  کمر برینا ناطق بر آن نور بود  تا زگرے فهم کرے آن خبر  لیک این گرے کشاید دیدار  کور چون شد گرم از نور قدم  این نصیب کور باشد از آفتاب  وانکہ او این نور را بینا بود </p>
--	--

حضرت شیخ محمد الدین بن عربی در فتوحات مکی  
در باب ثامن واربعون در معرفت مقام فراست بن فرناید  
کهما اتفق لغثمان رضي الله عنه ذلك انه دخل عليه رجل فعند  
ما وقعت جثته عليه قال يا سبحان الله ما بال رجال لا  
يغضون ابصارهم عن محارم الله وكان ذلك الرجل

وینا از حضرت مولانا  
قدس سره در حق تعالی  
المنزل العلی  
در روز جمعه و ولایت کرب و عطییت خلایق و سید الجماعه و غوثیت برآمد چنانکه شرح  
کتابخانه اضافیه فی  
آن تواتر و افکار اهلان  
دفعه مرغان و لاله

قد ارسل نظره فيما لا يحل له أما في نظره إلى عوارض  
الناس أو نظره في قعر بيت مسكون وما أشبه ذلك  
فقال له الرجل أوجي بعذر رسول الله صلى الله عليه  
وسلم فقال لا ولكنها فراسة ألم تسع قول رسول الله صلى الله  
عليه وسلم اتقوا فراسة المؤمن فإنه ينظر بنور الله الخ  
ترجمه چنانچه اتفاق افتاد عثمان را رضی الله عنه و این چنانست که آمد  
نزد او رضی مردی پس وقتی که افتاد نظر او بر آن شخص گفت عثمان یا سبحان  
الله چه حال است آن مردان را که پوشند چشمهای خود را از محارم خدای  
تعالی و بود این مرد که تحقیق نظر کرده بود در آن که حلال نبود او را یاد نظر  
کردنش بسوی ستر انسانی یاد دیدنش اندرون خانه مسکون کسی  
و آنچه مشابه باشد این را پس گفت آن مرد عثمان را رضی آیا وحی کرده شد  
بعذر رسول الله صلى الله عليه وسلم پس گفت عثمان رضی که نمی آید و لیکن  
این فرست است آیا نشنیده قول رسول الله صلى الله عليه وسلم می شنید

از فرست مومن که تحقیق می پذیرد مومن از نور خدا است  
و حضرت مخدوم جهان در مکتوبات صدک در مکتوب  
برفتاد و هشت میفرماید نقل است چون اهل بهشت در  
بهشت فرود آیند بخور و قصور و بشراب ظهور قرار گیرند ناگاه برقی  
بناید جلده اهل بهشت چنان سوزگرددند که همه در سجده افتد و گویند  
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَرْزَقَنَا هَذَا وَنَدَّابِرَاجِلِهْ كَرِهَ اَنْتَ گویند بهیهات  
و چنین است که امیر المؤمنین عثمان از حجره بحجره نقل فرموده است  
گوشه ردای او بود که بتافت اتمی احوال ولایت و قطبیت این جهان  
تلاش رضو کرامات و خرق عادات ایشان بسیارست درین نقوی چگونگی  
در کتب و ملفوظات اولیاء الله و از الله الخفا عن خلافة الخلفاء  
ملاحظه فرمایند وقت کاتب این اوراق از احصای آن قاصرست  
علی الخصوص درین علالت فقری که اینقدر هم بدشواری سرانجام  
یافت و از آنجا که مستفتی را از افضالیت باطن و ولایت این خلایق

ثلاثة رخص استفسارست لهذا از تقریر فیض تخییر حضرت اولیاء اللہ تعالیٰ  
بیشتر سنا آورده شد و اللہ الهادی لے سواء السبیل و  
الصلوة والسلام علی حبیبہ الحمید الجمیل و علی آلہ و  
اصحابہ الافاضل العرفاء و علی اہلبیتہ و اخر واجہہ  
العظماء الاتقیاء فقط

کتاب ہذا الاوراق المفتقر علی الاطلاق  
الی اللہ الغنی العزیز الخلاق السبیل علی عظم  
عفا عنہ اللہ الاکرم الحسینی الحنفی القادر  
النعیمی الفلواروی العظیم آبادی البہار

صحیح الجواب از علما ی پھلواروی و نواح آن

منظم و کرم انجی مولوی سید علی اعظم صاحب دمام مجلہ  
از تقریر محمد علی حبیب بدایت و تسلیم متمسک آنکہ جواب استفتا  
دیدیم ہم پسندیم و موافق عقائد اہل سنت و الجماعہ و فی اعتماد و فی عتبات



رايت الفتوى فوجدت روايات  
 مطابقا للكتاب وموافقا  
 لمذهب اهل السنة والجماعة  
 وعقائد الصوفية رضوان الله  
 عليهم اجمعين وعليه اسلافنا

محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن  
 محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن  
 محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن  
 محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن

الخواص والاشهاد بذلك السنة والكتاب  
 العبد المذنب الى رحمة ربه  
 السيد ابي الحسن بن محمد بن

محمد  
 عبد الرحمن  
 القلواروسي

الحبيب مصيب والحجاب موب  
 سيرة نبوية في آدابها  
 كريمة في آدابها

الرقي بشفاعة النبي  
 صلى الله عليه وسلم  
 انعم الله بنعمته ١٢٥٥

وصلى الله على محمد وآله  
 انعم الله بنعمته

عليه مشايخنا سيد محمد وجيه  
 رضوي فلو اروي  
 محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن

محمد  
 الدين

الجواب صواب

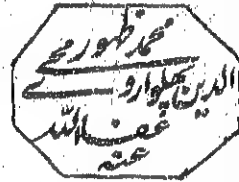
محمد  
 الدين  
 محمد اروي

الجواب حق لاجل الصواب عليه السلام

صدوق احمد قاري  
 غفر الله عنه

عليه اجماع اهل السنة والجماعة  
ويبدأ الله على الجماعة من حيث

شد في الناس



ما احسن هذا الجواب لموافق  
للمعنى والكتاب ومن اكثر ذلك

فليتقوا مقعد النار يوم الحساب  
في حق حسن الحسين

الخلاوة في عفا عن الياي  
فضيلت خلفاى راشدين على ترتيب

الخلافة حتى وصل من باب السنن والجماعة



رضي الدين احمد رضى الله عنه

تفضيل الخلفاء الراشدين على  
ترتيب الخلافة حق وعليه علماء

اهل السنة والجماعة ومن فضل

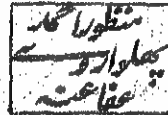
عليها كرم الله وجهه عليهم

فهو البتة مبتدع كما قال في

الاشباه والنظائر

وان فضل عليا رضي الله عنه

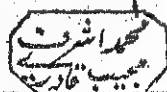
عليهما فبتدع كذا في الخلافة



هكذا اثبت بالكتاب في السنة واجماع

الاصحاب والائمة ومن سلك على غير

اجماعهم فهو ضال ومضل المصيب





نظرت وامعنت في تقرير الجواب فوجدت كله على الحق و  
الصواب كما يشهد عليه السنة والكتاب لا يداهل  
السنة والجماعة ان يعتقد بأفضلية الخلفاء الراشدين  
على ترتيب الخلافة لانه استمر خير القرون على هذه

محمد حسن عكر عفا  
الله عنه يملوا و

العقيدة في مخالفتها بدعة وضلالة

لله در الحبيب من اجاب فقد اصاب الحق يعلو ولا يعلى

ابو المحامد محمد رصفه الله  
قادر على كل قلب

لا ريب لا ريب ان فضل الصحابة على ترتيب الخلافة  
عند علماء اهل السنة والجماعة حق

محمد حسن عفا  
الله عنه يملوا و

نظرت ورايت السؤال والجواب فوجدت حق واكمل الصواب  
لا ريب في تفضيل الخلفاء الراشدين على سبيل الترتيب

واسمى فقيها  
حسن قادرا

من عقائد اهل السنة والجماعة  
وعليه مشايخنا خزي الله تعالى

محمد رفیع  
سنوار

محمد علی بھلوارھی

۲۰۰  
من اجاب بدياب الكتاب

فاصاب بمجد الشهاب

شاه محمد  
احمد  
العبد

وَاللّٰهُ لِلّٰهِ الْوَهَّابُ اجَابَ الصَّوَابُ

شہاب الدین احمد الصدیقی

اسخف القهسو الجوارو

قد ارشدنا الاحيى الذى

اجاب طريق الحق والصواب۔

فطوی لمن اہتدی ولیشری

لمن اقتدى وتبُّ لاهل الانفس

والاشواء وويل الاحباب

الغواية والأغواء

۱۲۸۶  
مقتضی

محرم و مقصود علی النہی و القلور

وَلَمَّا كُنْهَ فِي مَذْهَبِ عَفَا الذُّرُوعَةِ

النجيب الذي اعلیٰ علی اعدائه

اعظم الله عظمتهم وانعم عليه

نعمتہ ما اطبق الاھربا لسنة

والكتاب وما اوفق بقول

<p>المشائخ والاقطاب فمن انفتح عنه فقد خطا بالاجماع و الاصحاب وهم الذين دل على فضلهم خير القرون وفي تم الذين يلونهم ثم الذين يلونهم بلا ترتيب فمنما ينتسب اليهم الخطاء الا يسوء الظن والبغض السب فمن ابغضهم فببغض ابغضهم يقال عليه بالحق والصواب العبد الضعيف المتسك بالله الامير السيد حميد الدين احمد عفا عنه الله الاحمد الحنفي الكاشفي الكواشي العظيم ابا د</p>	<p>من اجاب هذه المسألة فهو اعلى واعظم علماً واكمل فهماً واقوى ديناً جوابه صحيح لا يجادل فيه لانكار ومن انكر ذلك فهو ادنى واقل علماً وانقص فهماً واضعف ديناً انكاره خطأ لا قابل للاعتبار</p>
<p>المعتصم بالله الحميد الاحمد السيد حميد الدين احمد عفا عنه الله الكاشفي العظيم ابا د</p>	<p>الجواب كله حسن صواب بلا شك وارتياح وهو موافق للاحاديث والكتاب</p>

هذا الجواب من قلم  
الشيخ العبد الضعيف  
المتسك بالله  
الامير السيد حميد الدين احمد  
عفا عنه الله الاحمد  
الحنفي الكاشفي الكواشي  
العظيم ابا د

ولم ينكره إلا المسي الكذاب <sup>١٣٨٨</sup>	المتفقة عليها فقد ذهب
ولم يخالفه إلا من لم يجد العلي <sup>١٣٨٨</sup>	إلى الضلالة والغواية فقط
والصواب <sup>١٣٨٨</sup> فأقمن علياً يا سميع	محمد ارفع على
الدعوات إلى يوم الحساب <sup>١٣٨٨</sup>	عنه
وهب للمجيب المدقق في <sup>١٣٨٨</sup>	قد رأيت جواب استأخذا
الكونين أحسن ثواب <sup>١٣٨٨</sup>	العلام بالاستيعاب فوجد
اللهم أنت مالكي أنك اعلم <sup>١٣٨٨</sup>	بحسن الآداب أصوب
وعلمك أعم واليك المآب <sup>١٣٨٨</sup>	الجواب وظننت كاذباً
حرره محمد منير عفا عنه <sup>١٣٨٨</sup>	الضالين أشد القيقاب
السلام الوهاب <sup>١٣٨٨</sup>	المسب
هذا الجواب موافق لعقائد	بشارت حسين عفا عنه
أهل السنة والجماعة فمن ذهب	رب المغربين فقط
إلى خلاف هذه العقائد	لا اله الا هو سبحانه عفا

يشركون + يريدون ان يطفئوا نور الله بافواههم ويأبى الله  
 الا ان يلقمهم نوره ولو كره الكافرون + هو الذي ارسل  
 رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله  
 ولو كره المشركون + والله اخراجكم من بطون انهاركم  
 لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع والابصار والافئدة لعلكم  
 تشكرون + انبا لياطل يؤمنون وبنعمة الله يكفرون  
 فاسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون + فهذا الكتاب  
 اتيق ونظمه شقيق مبانته يسيرة ومعانيه كثيرة قد  
 احتوى على ما اجمع عليه ائمة اهل السنة والجماعة  
 واستوفى اسانيد وثيقة لا المرية فيها ولا الشناعة  
 ظهر امر الله بما اوحى فيه لا السرية تعتريه ولا الباطل  
 يأتيه قيا من حيرة وايد الدين القويم وبيا من هو على  
 بيعة من رب السموات السبع ورب العرش العظيم +

قد هديت جماهير عتُل وزعيم واثيت بقبس لكل معتد  
 اثير واذك لتدعوهم الى صراط مستقيم ولكن ذلك فضل  
 الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم فان الذين  
 لا يؤمنون بالآخرة عن الصراط لنا يكون بل نجوا في  
 طغيا نهم يعبرهون والذين امنوا وعملوا الصالحات طوبى  
 لهم وحسن ما اب هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت و  
 اليه متاب مثل الفريقين كالاعمي والبصير وما يستوي  
 الاعمي والبصير ولا الظلمات ولا النور ولا الظل ولا  
 النور فمن اعتقد افضلية الخلفاء الاربعة على  
 الترتيب المشهور بين اولى الابواب المذكور في الزيد  
 والكتاب فقد اهتدى ومن اعرض عنه فانه ضل عن  
 السبيل واصل وضل وغوى افلا يتدبرون القرآن  
 ام على قلوب اقفالها ما اسوأ نفسا لم تكن امنيت

من قبل فبايها فعليكم يا اولي الابصار بكلمة حققة في  
 هذا الكتاب فانها كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت  
 وفرعها في السماء واياكم واقاويل الغاوين فانها كسر ابي  
 بقبعة يحسبه الظمان ماء حتى اذا جاءه لم يجيده  
 شيئا ولا تقف الذين يبتغون البلى ويتبعون  
 الا هو اء تلك الامثال ما يعقلها الا العالمون انما  
 يخشى الله من عباده العلماء ومن يطع الله ورسوله  
 يخشى الله ويتقوه قالوا لك هم الفائزون اللهم احشرونا مع  
 العلماء والصلديقين والشهداء والصالحين واجعل  
 اخر دعوانا ان الحمد لله رب العلمين ط

٨٦

كنه السيد  
 محمد فضيل حسين  
 عفا عنه رب الشاكرين

الجبیب هو المصیب شکر الله سعیه و اعاد الینا نعمهم  
 علامه ازین از اقوال صوفیه صافیه و احادیث نبوی و آیات قرآنی  
 فضیلت شیخین مقبول کونین ثابت است چنانچه در جوهر الحقائق  
 مولوی محمد باقر مدرسی رحمه الله علیه در ایقاظ الخافیین از  
 شیخ محی الدین بن عربی قدس سره نقل مینماید که در طبقات صحابه  
 بعضی مروج باطن سیدانام بودند همچو خلفای راشدین و بعضی دیگر  
 مروج ظاهر آن حضرت شدند همچو یقینیه آن گروه عالیشان رضی الله عنهم  
 خلاصه آنکه علوم طریقت و رموز حقیقت در اوایل معنی صحابه و تابعین  
 و تبع تابعین که مصدوق و محکوم حدیث خیر القرونند بصفت کثرت  
 و اولویت ثابت و مستحق بود اگر چه اعلام بقلب تصوف ششصد بودند  
 در او آخر قرن ثانی باین لقب ملقب گردیدند انتهای مخلصان و بالاحجبت  
 ازین چه خواهد شد که آن شیر خدا بالای منبر و منار نام آن شیخین یاد  
 کردند و منقبت و فضیلت ایشان بترتیب بیان فرمودند چنانکه سببه



بستان المحدثين في الباب الخامس والعشرين روي  
عن علي بن ابي طالب كرم الله وجهه انه قال على المنبر خير  
هذه الامة بعد نبيينا ابوبكر وخيرها بعد ابي بكر عمر الخ  
وارآيات قرآني ثاني اثنين اذ هما في الغار اذ يقول لصاحبه  
لا تحزن ان الله معنا فانزل الله سبحانه عليه اجمع  
المسلمون على ان صاحب المذکور ابوبكر وازرا نجله  
والليل اذ يغشى الى قوله ان سعيكم لشتى <sup>واذا نزل</sup> نزل ما لاحد  
عنده من نعمة تجزي الى اخر السورة في ابي بكر <sup>لقد</sup> الصديق  
واذا نزل ما لم يكن خاف مقام نزيه جنتان في ابي بكر <sup>نزل</sup> نزل  
صالح المؤمنين في ابي بكر وعمر وازرا نجله ونزعا ما في  
صدورهم من خلل اخوانا على سرر متقابلين نزلت في ابي بكر  
وعمر وعلي وازرا نجله ووصينا الانسكان بوالديه احبنا  
الى قوله وعد الصديق الذي كانوا يوعدون في ابوبكر

الصديق واز آنجمله سیحندرها الا تقی مراد ورنجا با جماع مفسرین هم چو صاحب  
 تفسیر عزیزی و تفسیر کبیر و دیگر تناسیر ابو بکر صدیق است که این سورتها  
 در شان ایشان نازل شده و اهل سنت و جماعت بهمین جا تفضیل حضرت  
 ابو بکر صدیق بعد از پیغمبر برسانند است تسک بسته اند پس فضیلت  
 شیعین ازین آیتها همچو شکل اول بدرهی الاناج است لکن المراد من  
 ابو بکر افضل لان المراد من هذا الا تقی افضل الخلق  
 لقوله تعالى اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اَتْقٰىكُمْ وَاَكْرَمُ هُوَ  
 الا افضل فكل من كان اتقى وجب ان يكون افضل فثبت ابو بکر  
 افضل وهو المدعی پس فضیلت حضرت ابو بکر قطعی است و آنچه  
 بعض طائفه و خلاف آن نوشته اند بر محل خود صحیح و درست است تفصیلش  
 اینکه نظر بر یک ایشان بر خبر آحاد است و خبر آحاد مفید ظن است و آنچه  
 در کلام الهی که متواتر است واقع شده مثل آیتهای مذکوره محتمل التأویل  
 فلا یفید القطع اما چون مجموع آنها را من حیث المجموع ملاحظه کرده شود

مفيد قطع ميگر و وياست كه هر دليل كه مفيد ظن گردد مجموع دلائل  
 مفيد قطع كما في المتواتر فان الاحاد لا يفيد الا الظن و شهودها  
 اذا بلغت حد التواتر يفيد القطع هكذا في كتاب  
 انزاله الخفيا واقع شده كه بعد از غور بران پنج شبهه در قطعيت  
 اين مطلب نيامد اينست ندرت اهل سنت و جماعت و سركه خلاف  
 ايشان عقيدت و انمايد خارج از جوده اعتدال اهل سنت و جماعت  
 اللهم ووفقنا بحبة النبي المختار و اله الاطهار و صحبه  
 الاخبار لا سيما صديقه الصديق الذي منيع العباد  
 عن الغل و الاغلال و الفارق ذى الجلال و ذى النورين  
 النال و مولى الموال حرره حفاظت حسين صابنه الله

۹۰

طبع في  
 مطبعه  
 حكيميه

عن كل شين

و انضائية الخلافه الاربعه على حسب ترتيبهم في  
 الخلافه مطلقا كما هو المذکور في كتب العقائد و الحديث

والفقه ومن اعتقد خلاف ذلك فهو ما حال حول الحق بل هو في ضلال مبين

الرافض

عبد العبد  
ولا

بل هو في ضلال مبين قد رأت هذه الاوداق مني لها الى اخرها فوجدتها موافقة لعقائد أهل السنة والجماعة

عظيم  
محمد

والله من تحاب الحال عظيم

91

هذا الجواب الحق واوشق ما نقل المجيب من كتب الحديث بالتسليم وهو مقبول كل من الشريعة والفقه المتيقن واني الله بقلب سليم والاتياني العقائد المقررة والفوائد المأثورة فيه ليس الا من الشيطان الرجيم الممائد واقول الى المشايخ الكرام والاولياء العظام والعلماء الطاهرين

العبد

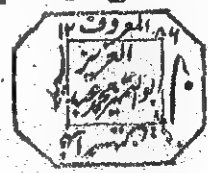
عبد العبد  
ولا

والله من تحاب الحال عظيم

اهل السنة والجماعة فمن كان	الشعاب وعليكم يا الجماعة
من اهل السنة والجماعة	والعامة كما رواه معاذ بن جبل
فتلزم عليه هذه العقيدة	عن النبي صلى الله عليه وسلم
ولا يفارق الجماعة فيها شبراً	عنه
فان من فارق الجماعة شبراً	الجواب صواب
فقد خلع ربة الاسلام	كل من اراد
عن عنقه كما رواه ابو ذر عن	من اجاب فقد اصاب
النبي صلى الله عليه وسلم	امين الله عني
ولا يكون شاكاً ولا قاصياً	قد اصاب من اجاب والله اعلم
لان احياً ولا يأخذ الشيطان	بالصدق والبصواب
لان الشيطان قد شب الانسان	المسيب
كذب الغنى يأخذ الشاك ذو	عبد العلي عني عنه الجاني
القاصية والتأخية واياكم و	مدرس نازل اسكول عظيم آباد

<p>الجواب حق وما هو الحق واجب</p> <p>الاتباع فلا شك انه مطابق</p> <p>للكتاب والسنة والاجماع فمن</p> <p>انكره باغواء الشيطان فهو</p> <p>من الضالين خارج من اهل</p> <p>الاسلام والايمان والآيات</p> <p>والاحاديث الدالة على فضلهم</p> <p>رضوان الله عليهم من كل</p> <p>الوجوه ظاهرة وباطنة مصرحة</p> <p>لا يخفى على من تدبّر في خالف</p> <p>هذا فقد ضل سواء السبيل</p>	<p>لقد اصاب من اجاب وهو موافق</p> <p>للعقيدة والكتاب</p> <p>الاسلام القادر</p> <p>ما حرسه المجيب ناقلاً من</p> <p>كتب الاحاديث والفقهاء و</p> <p>العقائد وكتب المشايخ الكرام</p> <p>عليهم افضل التحية والسلام</p> <p>حق وموافق لعقائد اهل السنة</p> <p>والجماعة وخلاف باطل و</p> <p>ضلال لمخالفة السنة والاجماع</p> <p>محمد بن عبد الله بن باد</p> <p>سنة</p> <p>لله در المجيب ما احسن</p>
--	--

٩٣



بجوابه وافق كلامه بقوله تعالى  
تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا  
الآية وسلك على المسالك  
المشار إليه بقوله تعالى هذا  
صراطى مستقيماً فالتبعوه  
وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ  
عَنْ سَبِيلِهِ وَلَنُرِيَنَّكُمْ  
فِي الْمَصَدَقِ عَلَيْهِ قَوْلَهُ تَعَالَى  
وَمَنْ يَتَّبِعْ حُدُودَ اللَّهِ فَإِنَّكَ  
مِنْ الظَّالِمِينَ وانحرفه عن البشارا  
بقوله تعالى هذا صراطى الخ  
حَتَّى تَفْرُقَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَغُرِّ  
فِي بَحْرِ الرِّفْضِ وَتَخْلُفْهُ لِقَوْلِهِ

عليه السلام عليكم بالسواد الا  
كأنه شذ في الشار  
امير الدين محمد  
كسارو  
الجواب صحيح لا يرتاب فيه  
الا الرافض والشيعة و  
المنافقون  
محرر طيف  
عليه وجدنا السلف وهو الضوا  
ودل عليه الكتاب  
ارشاد حسين ع  
عظم  
الحق الحق ان يستتبع

<p>زوالفقار علی عفی عنہ</p>	<p>عنایت احمد عظیم آبادی</p>
<p>الجواب مطابق للكتاب  <div data-bbox="651 776 790 883"> ۳۱ محمود عنایت </div> <p>فقیر محمد عنایت حسین غنوی انجمی القادر  <div data-bbox="651 970 790 1067"> ۳۶ محمود عنایت </div></p> </p>	<p>بلدة کلکتہ و موکیم          ذلک الکتاب لا ریب فیہ  <div data-bbox="981 894 1141 1024"> ۳۱ عبد الباقی </div></p>
<p>الاجیب مصیبة  <div data-bbox="582 1153 790 1282"> علامہ حسین بنگالی صوبہ بانڈاری </div> <p>قد اصاب من اجاب  <div data-bbox="678 1422 790 1498"> ۶۷ رحمت </div></p> </p>	<p>لا استیاب فی صحت الجواب          وهو مذهب جمهور اولی الالباب  <div data-bbox="981 1239 1181 1369"> محمد الہ داؤد غفرلہ یوم التستاد </div> <p>الجواب صحیح</p> </p>
<p>بوابہای این رسالہ ہمہ صحیح و راست          بی کم و کاست موافق احادیث</p>	<p>محمد عبد الحق عفی عنہ ما علیہا اهل الحق هو الحق</p>

۹۵  
ابن دکنڈ  
رشتہ دار  
فضل قی  
خیر آباد  
رحمۃ اللہ  
علیہ ۱۲  
صندھ



سيدنا محمد بن عبد الله عليه وسلم و  
بأحياء العالمين هذا

بحسب اجماع علماء راسخين و  
الامام الحق بعد رسول الله

بربط اتفاق فضلاء كالمين فقط  
صلى الله عليه وسلم ابو بكر

ما هو مرقوم هو حكم الكتاب  
شعر عثمان ثم علي

رضي الله عنهم يجب على كل  
عنایت الله

بروای محرماتی کورت حکمت  
اخواننا وحبیبنا المسلمین

الجواب بحسب مطابق لما في الكتب  
الحنفية ان يقتدوا و

المعتبرة ومذهب علماء اهل السنة  
يشهدوا بهذا الترتيب و

والجماعة وموافق كما قال  
التركيب فمن ذهب الى

الشيخ الامام الانام وحيث لا خلاف  
خلافه فهو ليس من الفرقة

ويدلوا لورع وشمس الشرع المعالي  
الناجية اى السنة والجماعة

محمد بن عبد الله عليه  
رحمة الله عليه

في كتابه المعروف بالعلم  
في كتابه المعروف بالعلم

تذكرة العلماء  
المشهورين الراجح الى رتبته  
القوى البرهاني عبد الباق  
غفر الله ذنوبه وستر عيوبه

هذا هو الحق والحق لا يتابع الحق

فضل علي عني عنه

همين ست مذهب حق وصراط مستقيم

فتح علي عني عنه

جواب باصواب ست وهو افق

اجماع اهل حق

محمد شاه عني عنه

كفر مجواب المجيبين الحق اقداء والذين منه الاية كفر بهذا القاء

محمد بن محمد عني عنه

كفر بالعلماء المجيبين رحمهم الله

قدوة ونيزب ما زادوا بايد كبريائكم

وناكس بايد بشروط نظر حق لقب بود

بلقب ميديت صديقي رضی الله تعالى عنه

اللهم احسن ناصحة ثابت قطعه و

صديقت قريب ورجع بنوت من

النبيين والصديقين الاية

فوق ورتبين بعد انبي بوبكر بزرگ

قصه مختصر دليل حديث خير الناس

وايت قرآني كنتم خير امة اخرج

للعالمين الاية وحججكم رسول الله

اسوة حسنة

محمد جمال الدين

الحق ان افضل الصحابة بعد

رسول الله صلى الله تعالى عليه و

عليه وآله واهليته واصحابه

اجمعين ابوبكر الصديق ثم عمر	الناس بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم
الفاروق ثم عثمان ذو النورين	عليه وسلم ابوبكر ثم عمر ثم عثمان
ثم علي ثم رضوان الله	عثمان ثم علي الى قوله هكذا
تعالى عليهم اجمعين على ترتيب	حكمي الاجماع عليه ابو منزه
خلافتهم كما هو مصرح في	البغداد ادي واخبر
الكتب المعتبرة من هذا الاما	البحاري عن محمد بن علي
وضوء المعاني في كمال الايمان	بن ابي طالب قال قلت لابي
شرح العقائد النسفي	والناس خير بعد رسول الله
شرح العقائد لعضد الدين	صلى الله عليه وسلم قال ابوبكر
وغيرك قال السيوطي	قلت ثم من قال عمر وخشيت
جعل الله الجنة مشواة في تاريخ	ان يقول عثمان قلت ثم انت
المخلفاء في ترجمة الصديق	قال ما انا الا رجل من المسلمين
اجمع اهل السنة ان افضل	ومعنى الافضلية اكثرية

الثواب عند الله تعالى كالتسبيح	ابو بكره الصديق ثم عمر بن الخطاب
الخير هكذا احكم الكتاب والله	ثم عثمان بن عفان ثم علي بن
اعلم بالصواب	ابي طالب رضوان الله تعالى
المسألة صحيحة	عليهم اجمعين ويجب على
المتوسل الى الله الكريم	سائر اخواننا الحنفيين ان
عبد الرحيم	يعتقدوا بهذا الترتيب فمن
قال سيدنا ومولانا اما منا	كانت عقيدته بخلافه فهو
الا عظم ابي حنيفة	ليس منا وليس علينا ان نتكلم
نعمان بن ثابت الكوفي رضي الله	في شأنه بل نتركه ونحليه
تعالى عنه رضوانا تاما كاملا	مع اخوانه
في كتابه المسمى بالفقه الاكبر	كتبه العبد
ما نصه وافضل الناس بعد	الراجي الى رحمة خالق القلبي الحليم
رسول الله صلى الله عليه وسلم	ابو القاسم عبد الحليم
	رضي عنه ربه الكريم
	الموافق عام ١٢١٢



وقالت الشيعة علي وآلهم اهل اليقين من الانصار وكذلك  
السنة علي ان افضلهم ابي بكر السابقون الاولون وهم من  
ثم عمر قال جمهورهم ثم عثمان صلى الى القبليتين في قول  
ثم علي وقال بعض اهل السنة ابن المسيب وطائفة وني قول  
من اهل الكوفة بتقديم علي الشيعي اهل بيعة الرضوان وني  
علي عثمان والعجيز المشهور قول عطاء وشهد بن كعب  
تقديم عثمان قال يومئذ هو اهل بدر انتهى نقله النواوي  
البغداد احدى اصحابنا في شرح مسلم هذه  
جميعي من علي ان افضلهم عقيدة اهل السنة فمن  
الاخفاء الاربعة على الترتيب كان يؤمن بالله واليوم الآخر  
المذكور تمام العشرة ثم فيلزم هذه الطريقة السنية  
اهل بدر ثم احدى البيعة العالية التي لا يجوز حولها  
الرضوان ومن له منية اهل باطل وليخرج من اختلاف

اجمعين ابوبكر الصديق ثم عمر	الناس بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم
الفاروق ثم عثمان ذو النورين	عليه وسلم ابوبكر ثم عمر ثم عثمان
ثم علي ثم رضوان الله	عثمان ثم علي الى قوله هكذا
تعالى عليهم اجمعين على ترتيب	حكمي الاجماع عليه ابو منزه
خلافتهم كما هو مصرح في	البغداد ادي واخبر
الكتب المعتبرة من هذا الاما	البحاري عن محمد بن علي
وضوء المعاني في كمال الايمان	بن ابي طالب قال قلت لابي
شرح العقائد النسفي	والناس خير بعد رسول الله
شرح العقائد لعضد الدين	صلى الله عليه وسلم قال ابوبكر
وغيرك قال السيوطي	قلت ثم من قال عمر وخشيت
جعل الله الجنة مشواة في تاريخ	ان يقول عثمان قلت ثم انت
الخلفاء في ترجمة الصديق	قال ما انا الا رجل من المسلمين
اجمع اهل السنة ان افضل	ومعنى الافضلية اكثرية

في المطولات شمل كما ترى الفاظ فيه ما نطق عن الهوى كأنه	درية يتيمة التي لا توحد مثلها وحي يوحى علمه شديد القوى
قيمة الأكتاب على قلاوته يزداد كتاب كان ولا مقام القلب	حلاوة والملازمة على عادة شات وبحج اهل الحق وان
لا يوجب شعبة وظاهرة كما ولا باطل اقوال اهل الغي و	لا يخفى سطوعها سابل النور الخلد لان ذات مكانه كشكل
والايقان ام انهار يجري فيها الارباب النهمي ولمن كان من به	غير المرفان واتي والله ما اعظم على الهدى فيه شفاء الغليل
شأن السيد السند البحر وارواء الغليل واما من كان	القدس اعظم العظماء اعلم في هذه اعمى فوق في الآخرة
العلماء هادي السبل استاذ اعمى وفيه بحاث شريفة	الكل البين السعيد البارع فكت لطيفة وتقريرات
البحر المقام المحيى انه ما نطق راتقة وتحريرات شائقة	



بحيث تدل على منتهى عقولهم ككب حري في الليل لهم  
 اهل النقي وهو من نصيبين الطويل مصباح وبروس لسيوه  
 كلام صبين لا تحوم يحوم حوى يروح الروح فهو قوته القلب  
 تحقيقا له ما اتم الشبهات الا طيل ام قوته العيون امر شفاء الصد  
 تمامه لا حكم العقائد جاء ولا حسن ام غدا اء الاسراع فطوبى لمن  
 الاقاريل فان فيه تعليمنا الى اهتد عمل به واتقى عباد الله الله  
 وارشاد امن كان من ربه على ثم الكدر الكدر في اصحاب  
 الهدى وتبكيها لمن كماله على رسول الله صلى الله عليه وعلى  
 واسكانا الشياطين الا نحن في اله وصحبته وسلم وعليكم  
 لمن تفوه لا الهوى ولطما على بالاباع واياكم والاختراع لا  
 وجوه الذين اسودت وجوههم لا شي شر من الاشداع والبيد  
 وصل سعيهم في الحيرة الدنيا حكم الحصون وخير البقاع و  
 واتي والله متوله في انه كتاب يد الله فوق الجماعة ولا يجتمع

١٠٣

امتي على الضلالة ومن شئت	شمس الشمس سيدنا علي المرتضى
فقد ضل وغوى ولا يخفى على	وهو كما ترى وفي المصباح
من له اذ مسكة من العلم	الدرعية واصحابه كلهم عدو
هو من ربه على الهدى ان	لظواهر الكتاب والسنة فلا
الا نسأب لا تعطى المنة نفعا	عن عدالة احد منهم كما يبحث
فان الاكرم عند الله من هو	عن سائر الرواة وافضلهم
اتقى وان مدار الافضلية	عند اهل السنة اجماعا انما
عند الله ليس الا على التقى و	شعير خروا ما بعدهما فاجمعا
لو كان على اقرب اولى القربى	على انه عثمان رضي الله عنه
فسيدنا ومولانا ابو محمد الحسن	انتهى وفي الفاسي شرح
سبط النبي احرى بان يكون	دلائل الخيرات والاجماع على
افضل واولى من سيدنا ومولانا	افضلية سيدنا ابي بكر
امير المؤمنين نور الهدى	بالصديق رضي الله عنه على سائر الصحابة

ولا يعتد بخلاف الرافض و	صلى الله عليه وسلم سألت
من قال بقولهم وهذا مذهب	الله ان يقدمك يا علي فابى
الاكثر وقد سئل رسول الله	الا تقديروا بي بكنوتي في حققة
صلى الله عليه وسلم عن حب	اليمن والله دثر قائله
الناس اليه فقال عايشة <sup>يفضل</sup> قيل	ان اسردت القود بالامل
من الرجال قال ابوهار واه	لذبطة سييد الرسل
النجاري وغيره وسئل	ويقوم صاح ودهمه
فالك رحمه الله في الدنيا	جاء فيه النص وهو جلي
من خير الناس بعد النبي صلى	اهل فضل خاب منكروه
عليه وسلم فقال ابو بكر	دع ولاية الجهل والخطل
عمر رضي الله عنهما ثم قال و	هو نجوم للهدى ولهم
في ذلك شك انتهى وفي	خير مدح في الكتاب قلى
الصواعق المحرقة قال	افضل الاصحاب اولهم

خذته في الغار خير ولي	ذرحبي عصبية رفضت
بعده الفاروق صاحب	سنة المختار لا تملى
من سما بالعلم والعمل	هو طغاة لا خلاق لهم
ثم ذو النورين ثا لشهم	تبعوا في سائر الملل
جامع القرآن شمر علي	كتبه العبد المحتير
فار من الهيجا ابو حسن	الاسروي بن ابراهيم الاخرى
نجل عم المصطفى البطل	العبد الضعيف تقي الدين احمد
جهم فرفض وبغضه	اسروي عفا الله عنه
موجب الايقاع في النزال	علماء السنة والجماعة قد
ضل من بالنزف من ملازم	اتفقوا على تفضيل الشيخين
داحضا للحق بالجدل	نحن نعتقد عليه
كيف من ذم الصيحاب يرى	الراعي
انه في اقوام السبل	محمد نور الحسن الاسروي

عالم  
 صاحب  
 تميز  
 منه  
 الحاصل

اسروي عفا الله عنه  
 محمد نور الحسن الاسروي

اجمعين ابو بكر الصديق ثم عمر	الناس بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم
الفاروق ثم عثمان ذو النورين	عليه وسلم ابو بكر ثم عمر ثم عثمان
ثم علي ثم رضوان الله	عثمان ثم علي الى قوله هكذا
تعالى عليهم اجمعين على ترتيب	حكمي الاجماع عليه ابو منزه
خلافتهم كما هو مصرح في	البغداد ادي واخرج
الكتب المعتبرة من هذا الاما	البحاري عن محمد بن علي
وضوء المعاني في كمال الايمان	بن ابي طالب قال قلت لابي
شرح العقائد النسفي	والناس خير بعد رسول الله
شرح العقائد لعضد الدين	صلى الله عليه وسلم قال ابو بكر
وغيرك قال السيوطي	قلت ثم من قال عمر وخشيت
جعل الله الجنة مشواة في تاريخ	ان يقول عثمان قلت ثم انت
الخلفاء في ترجمة الصديق	قال ما انا الا رجل من المسلمين
اجمع اهل السنة ان افضل	ومعنى الافضلية اكثرية

<p>لا على ترتيب الخلافة بالأدلة الواهنة كميوت العناكب ابتغاء مرضاة السفهاء فقد خسرنا أميئتنا ووقع في عناهب</p>	<p>المدحضين بمرارة الطبيب الشاغل بالراذيات والشربيب محمد عبد السلام اني توطن فهو وطنه وحيثما سكن فهو مسكنه</p>
<p>الجهالة ومن ابل الضلالة</p>	<p>بلدة كانپور</p>
<p>فعمسى يتلجلج او يترعرع ويتبرج لقدميه وسينكس على عقبيه بل مثله كمثل من اجري زورقه قطاسية لا يجد اذ لها لا خطا في بحر خطم فاذا اشتدت بها السريرة في يوم حاصفت وقشت اجزاءها فلا ياروى هو والدين اتبهوه الى حاصبل كانوا من</p>	<p>هو المصوب لقد اصاب الحبيب ورائته نجية عند اللبيب ويؤيده ما في تكميل الايمان وهو هذا الخلفاء الاربعة افضل الاحكام چار يار باصفا كه خلفاي راشدين وجاشين مصطفى اند صلي الله عليه وسلم ورضي الله عنهم فاضلتر</p>

بجز عا  
درین  
و در این کتاب  
۱۰۹

اصحاب وزر وکترین احباب اویند	حوسره العبد الحامل محمد عادل
الی ان قال وفضلهم علی ترتیب	حامله الله سبحانه بفضله الشا
الخلافه والمراد بالافضلية	وجعله من الامنين يوم السجف
اکثرية الثواب بدانکه اینجا و مقام	والنزل واصل حاله بلطفه
ست مقام اول آنکه خلیفه برحق	الکامل فی العاجل والاکجل
بعد رسول الله صلی الله علیه وسلم	محمد عادل
ابوبکر صدیق ست بعد از وی عمر فاروق	الجواب صحیح کتبه
بعد از وی عثمان ذو النورین بعد از وی	عبدالحق کانپوری
علی مرتضی رضوان الله تعالی علیهم	لا یخف علی من تتبع الکتاب
اجمعین واین مسأله نزد اهل سنت	الکلامیه ان الحق المتبع هو
از یقینیات ست انتهى بقدر الحاجة	فضل الخلفاء الراشدين علی
والله الموفق وهما علم الصواب	ترتیب الخلافه فلا یصغی
وعنده ام الکتاب	مقالة من سالك مسلكنا

آخر و اختار خلاقه كتبه

٨٩  
١٢  
مكتبة طه الدين

مَنْ قَالَ تَفْضِيلُ الْخُلَفَاءِ عَلَى النَّبِيِّ

الخلافة فهو فاضل ومن مخالفه

فخلف وفضل وكتبه

عبدالله بن عفي عنه

بلد سہارنپور

احمد علی کل مال

احمد علی سومار پوری غنی عنہ

مآقال المجیب جواب علی سلف

من الامم يا رب رضوان الله عليهم

اجمعين ولهم بذلك علم ما كانوا

يشاهدون من احوالهم يعرفون

من دقائق فضائلهم والفيض

الاما كان عند الله تعالى بالقرآن

اليه وهو اعلا عجله الاشيا سبيل

للعقل اليه الايمان يوحى الى من

اصطفاہ رسولاً وکرمنا

لا يعلم من القاتل إلا يدلالة

فهم اعلام ينطق النصوص

المرجحة والمكينة، رافى الفضائل

بالقرآن والجموع الى حضرة

صلى الله عليه وسلم وليس

الفضيلة بحسن الانتظام

الملكية والسياسة المدنية

فانها للملوك الذين غاية

26

عالمگیری و  
فاضل الجابری  
محمد رفیع  
موسیٰ حسن  
الانوار جانا  
علیہ السلام

111



<p>ما أمولهم الدنيا وما فيها وإنما هم  بوجوه آخر فاجتمعوا على ذلك  بجته قوية لا يتردد إليه ظمروا  أحق الخلائق عبد الحق  السماير نفوس خادم طلبه</p>	<p>ميفرود نذركم في بال صديقين شهادة فقط  كتبه العبد المشرك  عبد الرحمن عفي عنه  ١٢ ١٣  عبد الرحمن</p>
<p>بلدة پانی پت  افضلیت خلفای راشدین علی نبوت  اختلافه مطلقاً بمن است ندیب  ایل سنت مؤید با حارث صحیح و  اجماع است و اثر حضرت علی رضی  عنه و تفصیل حضرت علی کرم الله وجهه  مخالفت صریح ست مرقول حضرت علی  رضی الله عنه را که تفصیل و پیوند را که</p>	<p>نیت مگر صدیق اکبر را بر جمیع صحابا  اگر چه فضائل جزئیة در دیگران هم یافت  میشوند و هذا الجبال ما فصله  المحدث استاذ الهند الشیخ  الوالی الله ابن الشیخ  عبد الرحیم فی قرعة العین فی  تفصیل الشیخین و انزال الخفا  عن خلافة الخلفا</p>



تفسير على رضي الله عنه

طاهر ويا برست كه خلاف كتب عقائد

ابن حنت وجماعت ست شاه

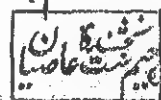
عبد العزيز وبلوى در حقه

تحرير فرموده اند كه حضرت على رضي الله عنه

عنه في موزون كبر ابراهيم عليه السلام

نرم او را بهشت آورده بهتان

والله اعلم بالصواب



وفضلهم على ترتيب الخلافة

حق ثابت لان خلافتهم وقعت بالاجماع

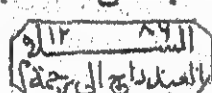
وما يقع بالاجماع اى بالاجماع الصريح

فالخلاص فيه خطأ بل ضلالة

تأييد القول صلى الله عليه وسلم

لا يحق امتي على الضلالة ولذا

صار مذهب اهل السنة والجماعة



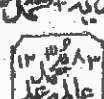
بلدة مراد آباد

المجيب الذي اجاب مع ائمة اهل

السنة والجماعة الذي سعي سعياً

مشكوقاً مطابق له وسألك على سبيل

الهداية محمد علي عفي عنه



عالم عالم عالم عالم عالم عالم عالم عالم عالم عالم عالم

١١٣

اجمعين ابوبكر الصديق ثم عمر	الناس بعد رسول الله صلى الله عليه وسلم
الفاروق ثم عثمان ذو النورين	عليه وسلم ابوبكر ثم عمر ثم عثمان
ثم علي ثم رضوان الله	عثمان ثم علي الى قوله هكذا
تعالى عليهم اجمعين على ترتيب	حكمي الاجماع عليه ابو منزه
خلافتهم كما هو مصرح في	البغداد ادي واخبر
الكتب المعتبرة من هذا الامام	البخاري عن محمد بن علي
وضوء المعاني في كمال الايمان	بن ابي طالب قال قلت لابي
شرح العقائد النسفي	والناس خير بعد رسول الله
شرح العقائد لعضد الدين	صلى الله عليه وسلم قال ابوبكر
وغيرك قال السيوطي	قلت ثم من قال عمر وخشيت
جعل الله الجنة مشواة في تاريخ	ان يقول عثمان قلت ثم انت
المخلفاء في ترجمة الصديق	قال ما انا الا رجل من المسلمين
اجمع اهل السنة ان افضل	ومعنى الافضلية اكثرية

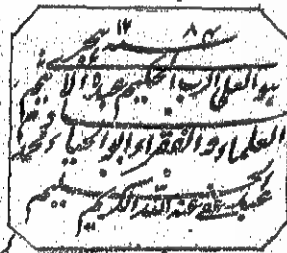
بر حضرات اصحاب ثلاثه رضی اللہ عنہم	فارسی فقه اکبر ارشاد دینماید و بر
اعتقاد نماید و اطلاق تفضیل بجای	تفضیل شیخین جمیع اهل سنت و جماعت
می آید صاحب تحفه ثنائیه شیخین	اتفاق دارند و آنچه از امام مالک جم
سیف نماید فرق دوم تفضیلیه مذہب	نقل میکنند افضل احدی علی
ایشان اینست که تفضی افضل	بصفت رسول الله صلی الله علیه و آله
للمناس بعد الرسول است و صحابه	وسلم مخصوص بعالی سوان است
گرام را بخیر یاد میکنند و نسبت بظلم	بقرینه سوال که فاطمه زهرا افضل است
و غصب و غفلان نمی نمایند و هیچ	یا عایشه صدیقہ و زهرا امام مالک رحم
مسأله مخالفه فرق اول نمیشوند مگر	نص کرده اند بر آنکه ابو بکر افضل
تفضیل فقط اتمی کلام مختصرا و او مختص	اصحاب است پس عمر و از هیچ اهل سنت
اجماع است حضرت ملک العلماء لانا	و جماعت شنیده نشد که تفضیل
سبح العالمون قدس الله عمل الاعلی	شیخین را منکر باشد و مخالفت
سواء العلی المایوم معلوم و بشرح	نیستند درین مسأله گشتیه و آره

امام بهام ابی حنیفه رح سید	می نگار و مرجم ای شرح الافضلیه
که در باب اهل سنت و جماعت صحبت	القی نحن بصدد ها الی کثرة الثواب
امام جواب داران تفضیل الشیخین	والکبرامة عند الله تعالى و
وتحب الختین فرمود تفضیل داران	ذلك يعود الی الاکتساب
شیخین را و محبت داشتن هفتین را	للطاعات والاخلاص فیها
انتهی و تفضیل حضرت اصحاب ثلاثه	انتهی و حضرت بحر العالم و
بعضی الله عنهم ترتیب خلافت حضرت	شرح فقه اکبر میفرماید باینکه
در امور سیاست مدنی نیست بلکه	مراد از افضلیت اکثریت ثواب
از جهت دیگر فضائل و امور باطنی است	اعطیت مرتبه است نزد الله تعالی
شارح مقاصد می آرد الکلام	چه مناط مدح و در غماجل و استحقاق
فی الافضلیه بمعنی الکبرامة	ثواب در آجل برین سنت و شیخ
عند الله تعالى و کثرة الثواب	ابن بهام و شرح پادشاه پیر باب
انتهی و شارح مواضع	است گفته که ابو بکر رضی الله عنهما علم صحابه بود

<p> ششیخ عبدالحق دهلوی در شرح  مشکوٰۃ نیز تقریر آن کرده و امام فخر الاسلام  بزرگ وی قدس سره در کلام خود نیز  بر آن نص کرده و شیخ ابن تیمیہ  که از اصحاب امام احمدیست گفت کہ  اول سنت و جماعت بر آن اتفاق دارند  کہ ابو بکر و علم اصحاب بود و با محمد بن  الشیخین ثواب و علما مذکور جمہور  اہل سنت و جماعت و انسجہ در  عقائد و مضمریہ واقع شدہ است  کہ مراد از فضیلت اکثریت ثواب است  کہ اکثریت علم و شرف اعتبار بآن نیست  کہ از علم نامحسوس باشد اتمی و در ولایت  </p>	<p> باطنیہ حضرات اصحاب ثلاثہ راضی اند  عنہم دخل تمام از سابق ہم فضل و اگر  بود چنانکہ محیب اول تصحیح کمال نمود  اعظم العلی الاعظم بحرہ البحرین  یوم الحساب کما بذل سعیه  الجمیل فی اظہار الحق و تحریر  الجواب و الله اعلم بالصواب و  عند حسن الثواب و کتبہ  الفقیر الی العیال رب العالمین  ابو الاحیاء محمد الممدوح بالنعیم  تجاوزا لله عن سیئۃ و کتب  فی الزبرج سنۃ  هو العلی رب الحکیم الجواب </p>
--	--

الأول صحيح أصح وهو معتبر	أهل السنة والجماعة واليسلف
بالحق والصواب والمجيب الأول	والخلف فمن خالف بهذا الاعتقاد
نجيحه وهو مصيب عندنا	القبول فقد ضل عن الصراط
الآليات جزاه الله تعالى خير	السوي المستقيم كما في نشر
الجزء يوم الحساب لما نظرت	العقائد النسفي افضل
وامعنت في تقرير الجواب	الشر بعد نبينا أبو بكر الصديق
نكاه على الحق والصواب كما يشهد	ثم عمر الفاروق ثم عثمان والنور
عليه السنة والكتاب فمن يدعي	ثم علي بن أبي طالب وخلافهم على هذا
خلافه فهو رافض مغتر كذاب	الترتيب ايضاً والله اعلم وحكمه
ويؤيد ما في كتب الحديث	التي
والفقه المنيعة وما في كتب العقائد	حرره عبده الاسي النفساني
وفي اقوال المشايخ العظام خيراً	خادم العلماء والفقهاء والوجهاء
بحسب وقد اتفق عليه جميعهم	محمد عبد الحليم عفا عنه الله

<p>الكرامه مقام دار العلم فرنجي محل منه لانت خيرا البلاد لكهتق في التايج احد وعشرين ختقون من شعبان المعظم يوم السبت سنة تسع وثمانين بعد الالف والثمانين من هجرة رسول الثقلين المرهم صل وسلم عليه على الله في الملو</p>	<p>كرتفضل شيخين رضي الله عنهما از معتقدات فرقة حقه سنيكش ثا الله سبحانه في البره است وهما تانكه اين مساله اجماعى اهل سنت والجماعة ست در حديث ما طلعت الشمس ولا غربت بعد النبيين افضل من ابي بكر وقطع نظر از روايات واخبار واحاديث و آثار كلامه</p>
<p>بر صاحبان انكار زان قه و آوى صا كه چشم نشان كحل كحل الصاف و ما از غبار احصاف ست مستجب و مستجاب</p>	<p>علام الذي لا ياتيه الباطل من خلف تنزيل من حكيم حميد تاطق بر فضليت و سبق مرتبه اليو كبريه خا نجه ارشاو سيفرايدو الشا بقون الاولان من المهاجرين والانصار والذين اتبعوهم باحسان رضي الله عنهم</p>





و رضوا عنه و از اصرح آیات بیانات و	فلیرجع الیه و لله در سزا و علیه
بدیهیات اولیات که دلالت بر فضل	اجسره و تیز پوشیده نماز که <sup>فضیلت</sup>
ابن بکر بن الصدیق رضو دارد آیه غار است	شیخین رضی الله عنهما در قدیم و حاشا
که کسی از اصحاب درین فضل مساهم	متفق بوده و کسی را از اسلاف و خلفا
و شریک او نیست و این فضیلت از	دران خلافت بوده اما آنچه گفتیم لیل
خصائص آنجناب است	بران افادت بسیاری از محققین <sup>مستقیم</sup>
این سعادت بزرگوار نیست تا به تائید	در عقائد نفسیه مذکور شده و افضل
خدای بخشنده اما <sup>همام محمد الدین</sup> البشر بعد نبینا صلوات الله علیهم	البشر بعد نبینا صلوات الله علیهم
رازی در ذیل این آیه بسیاری	نص الصدیق ثم عمر اشعث عثمان
از قواد و مهمات مطالب ذکر فرموده و النورین ثم علی بن ابي طالب	از قواد و مهمات مطالب ذکر فرموده و النورین ثم علی بن ابي طالب
و فرموده که مرخص صوابیه ابو بکر است	انتهی کلام المصنف و فاضل محقق
و بران بسیاری بکلام عرب وجود و کامل مدقق فقیه لاثانی <sup>مستقیم</sup>	مستقیم فاضل
قائم فرموده من شاء الاطلاع کلمة نوح انسانی سعد الدین تقی زانی	قائم فرموده من شاء الاطلاع کلمة نوح انسانی سعد الدین تقی زانی

امتي على الضلالة ومن شئت	شمس الشمس سيدنا علي المرتضى
فقد ضل وغوى ولا يخفى على	وهو كما ترى وفي المصباح
من له اذ مسكة من العلم	الدرية واصحابه كلهم عدو
هو من ربه على الهدى ان	لظواهر الكتاب والسنة فلا
الا نسأب لا تعطى المنة نفعا	عن عدالة احد منهم كما يبحث
فان الاكرم عند الله من هو	عن سائر الرواة وافضلهم
اتقى وان مدار الافضلية	عند اهل السنة اجماعا انما
عند الله ليس الا على التقى و	شعيرته واما بعد هما فافهم
لو كان علي اقرب اولى القربى	على انه عثمان رضي الله عنه
فسيدنا ومولانا ابو محمد الحسن	انتهى وفي الفاسي شرح
سبط النبي احرى بان يكون	دلائل الخيرات والاجماع على
افضل واولى من سيدنا ومولانا	افضلية سيدنا ابي بكر
امير المؤمنين توسر الهدى	بالصديق رضي الله عنه على سائر الصحابة

بیان نادر دایم پیر اطمینان قلوب	عثمان لهذا اختاره الصحابة
مشطشان زلال ایمان بنقل کلام	للخلافة وقد موهبه لهم اعلم و
بعض اناش اعلام پر اختتامی آید	اعرف بالمراتب انتهی کلام الامام
ریس الحفا سید العزیز محمد بن	احله الله داسر المقام وازافات
ابی زکریا نووی رضی اللہ عنہ	بعض ساوات تحقیقین ظاهر و پدید
در تہذیب الاسماء واللغات	که بر کسیک تفضیل در علی رابر عثمان
پنویسید و اجمع اهل السنة علی ان	پس تحقیق که او مخالفت کرد اثنا عشر
افضلهم علی الاطلاق ابو بکر	نیز در اصحاب رسول خدا صلی اللہ علیہ
عمر و قدم جمہور ہم عثمان علی	وسلم را حال آنکہ ارتحال فرمود جناب
علی رضی اللہ عنہم قال الخطابی	رسالت اب صلی اللہ علیہ وسلم وارانہا
وقدم اهل السنة من اهل الکوفة	راضی بود و ہر گاہ کہ مخالفت خبر ہو علی
علیاً علی عثمان و بہ قال ابن خزيمة	فی نفسه شیخ و شیخ فکیف کہ مخالفت
والصحيح قول الجمهور تقدیم	اصحاب اولو الاباب جناب تہذیب

امتي على الضلالة ومن شئت	شمس الشمس سيدنا علي المرتضى
فقد ضل وغوى ولا يخفى على	وهو كما ترى وفي المصباح
من له اذ مسكة من العلم و	الدرية واصحابه كلهم عدو
هو من ربه على الهدى ان	لظواهر الكتاب والسنة فلا
الا نسأب لا تعطى المنة نفعا	عن عدالة احد منهم كما يبحث
فان الاكرم عند الله من هو	عن سائر الرواة وافضلهم
اتقى وان مدار الافضلية	عند اهل السنة اجماعا انما
عند الله ليس الا على التقى و	شعير رضوا وما بعدهما فاجم
لو كان على اقرب اولى القربى	على انه عثمان رضي الله عنه
فسيدنا ومولانا ابو محمد الحسن	انتهى وفي الفاسي شرح
سبط النبي احرى بان يكون	دلائل الخيرات والاجماع على
افضل واولى من سيدنا ومولانا	افضلية سيدنا ابي بكر
امير المؤمنين نور الهدى	بالصديق رضي الله عنه على سائر الصحابة

وكتبه بقلمه العبد	نعمان الكوفي رضي الله تعالى عنه
الضبيّل انقر غياض الله الجليل	واجه اهل السنة والجماعة كلهم
أكثرهم زللاً وأقلهم عملاً	على هذا الاعتقاد والتفضيلية
عبد العزيز وفقه الله للعمل في	فرقة مبتدعة من اقسام الروافض
يعلمه قبل ان يخرج الامر من	كما هو مستفاد من فتاوى الخلاصة
يد له وايضاً يعيوب نفسه	والعالم كبرى والتخفة
هو الولي العزيم	الاثنا عشرية وغيرها وما
أفضل الناس بعد رسول الله	اجاب المفتي الاول اعني مولاي
صلى الله عليه وآله وسلم ابو بكر	سيد علي اعظم فهو حق وصواب
والصديق ثم عمر بن الخطاب ثم	ولله در الجيب المصيب جزاه الله
عثمان بن عفان ثم علي بن ابي طالب	خيراً وفقه العاصي محمد مظفر
رضي الله عنهم اجمعين كما صرح	عنه عند سائر دريا آباء درو
امامنا سراج الامة ابو حنيفة	تراب اقدام تلامذة ملك العلماء

قد وقع الحرفاء من لانا بحر العلم	البحلي والحفي وحفظه عن موجبات
عبد العلي محمد قدس سره	ابو الحسن محمد علي
لا شك في افضلية الخلفاء على	صحيح الجواب حسرة
حسب ترتيبهم في الخلافة في	عنه
كثرة الثواب وقد اتفق عليه	محمد بن محمد بن محمد
الجمهور من السلف والخلف	في الواقع افضلية فافهم حسب
لا سيما فضيلة الشيخين على	ترتيبهم في الخلافة ثابت ستكتبه
من عدد اهم من حيث كثرة الثواب	ابو الجيش محمد بن محمد بن محمد
فانه متفق عليه بين جميع اهل	اصاب الجيب كنية اضعف
السنة والله اعلم حرره الرحي	عباد الله محمد فضل الله عني
عفور به القوي ابو الحسنات	ذلك فضل الله
محمد عبد الحى تاجا وزاد الله عنه	لا ريب في فضيلة الخلفاء على
	ترتيب الخلافة بانفسهم لا

بإسبب الخلافة وعليه العلماء	بالروايات الصحيحة المستندة
من المتقدمين والمتأخرين وفاته قد نطقت الأحاديث القوية	
من خالفهم فقد خرج من أهل	وقد ردت الأخبار الصحيحة بأن
السنة والجماعة والله أعلم	فضل الخلفاء على حسب ترتيبهم
بالمصواب واليه المرجع والمآب	في الخلافة رضي الله عنهم
تمتة تادم أولياء الله الكريم	اجمعين وعليه جمهور العلماء
شهد إبراهيم غفر له الله الرحيم	أهل السنة من الأولين والآخرين
ابن مولانا المولوي علي محمد	ومن اعتقد سوي هذا الاعتقاد
والمغفور فرنجي	القوي فقد مال عن الصراط
محمد إبراهيم	السوي المستقيم
هو الأعلام	المدعو بعباس علي عفا الله عنه
أبجواب صحيح موافق لما في الكتب	فدنه الخفي والجلي
المعتبرة المعتمدة مطابقة بما ثبت	هو المصوب

هو الموفق والمعين	الجواب الاول مقرون بالتحقيق
ما احسن ما اجاب به المجيب و	والصواب ومن يدعى خلافة
ما اتقن ما صحى في تمام التقر	فهو لا قض مفتر كذاب اللهم
وهذا التصحيح في لاجلها ولقد	اجز المجيب عن سائر اهل السنة
نقمت في جواب هذا الاستفتاء	خير الجزاء وانت الشافي لا شفاء
سابقا امتثالا لامر المجيب العلي	الاشفاء لا فاشفه عن الداء
الاعظم بحيث يسكت الناظر	كتبه العبد العاجز الساجي الى
المنصف ويفهم من اراد الاطلا	رحمة ربه القادر الاحد تراب
عليه يطلبه من عند هذا	نعال اوليائه فخر الدين احمد
المجيب ليزول ريب المرئ	اعطاه الله بحبه واتباع سيد
وانا العبد الاسي للعاصي	المرسلين وحشره في زمرة
الاواه محمد نالمدعو بالافت	المسكين
محبت خطاياهم وحيات آخرته	في الدين احمد



خير من اولاه ويوم تحريرا	اصاب المجيب الاول فجوابه
هذا عشرين من جمادى الاخرى	حق والحق الحق بالاتباع وخلافه
سنة ١١٩٠ من هجرة نبينا محمد	باطل والباطل الزعم الاجتناب
الى طرفة صلى الله عليه وسلم	لانه رفض ويدعة وخلافه
وعلى اله المجتبي وصحبه اخوان	للسنة والاجماع فمن شذ شذ
الصفاء خصوصا لاسريرة	في الناس كتبه العامي محمد عبد الله
المتناسبة الذين وصروا	السائق في دار العلم والعمل ونجح
بالرحمة والرفقة وثبتت فضيلتهم	من محلات البلاد ككثوف عفا الله عنه
بترتيب الخلافة على الاجماع	محمد عبد الله
المختار وان خرق فيه البليد	ابن حبيب لا ريب فيه
المختار والله ولي الهداية	نمقة محمد شمس الدين عفي عنه
والتوفيق ومنه الوصول	اصاب المجيب
الى سواء الطريق فقط	نمقة محمد ان الحق عفي عنه

امتي على الضلالة ومن شئت	شمس الشمس سيدنا علي المرتضى
فقد ضل وغوى ولا يخفى على	وهو كما ترى وفي المصباح
من له اذ مسكة من العلم	الدرعية واصحابه كلهم عدو
هو من ربه على الهدى ان	لظواهر الكتاب والسنة فلا
الا نسأب لا تعطى المنة نفعا	عن عدالة احد منهم كما يبحث
فان الاكرم عند الله من هو	عن سائر الرواة وافضلهم
اتقى وان مدار الافضلية	عند اهل السنة اجماعا انما
عند الله ليس الا على التقى و	شعير رضوا وما بعدهما فاجمعا
لو كان على اقرب اولى القربى	على انه عثمان رضي الله عنه
فسيدنا ومولانا ابو محمد الحسن	انتهى وفي الفاسي شرح
سبط النبي احرى بان يكون	دلائل الخيرات والاجماع على
افضل واولى من سيدنا ومولانا	افضلية سيدنا ابي بكر
امير المؤمنين توسر الهدى	بالصديق رضي الله عنه على سائر الصحابة

٨٦  
محمد عبد العزيز  
عنه

الرحيم محمد عبد العزيز	قد اصاب من اجاب والله در
ابن مولانا الحكيم محمد نور كريم	المجيب حيث اتى بتحقيق ايق
المرحوم المغفور الدري اياكي	وجاء بما هو الحق بالتصديق
مؤطنا والقدا واتي نسباً	ولا شك في فضل الاصحاب
الذي في هذه الرسالة حق و	الثلاثة على الرابع ولا شك ايضاً
الحق الحق بالاتباع	في فضلهم على حسب خلافهم
كتبه جميل احمد عفا الله عنه بركاته	والاجماع متفق عليه وقد صح
اصاب المجيب الجليل اعطاه الله	حديث لا يجتمع ام قيس على
الاجل الجليل وهو يهدي الى	الضلالة ولا ريب في ان الايات
سواء السبيل	والاخبار والاثر ناطقة على
كتبه محمد اعلم عفا الله عنه بركاته	هذا المرام واقوال المشائخ
هو المصنف	الكبار نادية باعلى النداء على
	تصديق هذا الكلام فلا شك

أيضاً في ان ترتيب الخلافة و  
الفضل ما كان على الفضل الظاهر  
كيف ولو كان كذلك لكان  
السلطين الجائز افضل  
عند الله على الانبياء الذين  
لم يحرروا الملك ولما لم يوصو  
بالله منه ولعمري الفضل عند الله  
هو الفضل الباطني والظاهر  
تابع له ولما دل الايات والاشايت  
النبوية واقول الصيانة والاشايت  
على فضلهم ثبت ان فضلهم  
كان بالباطن اولاً وبالذات و  
بالظاهر تبعاً وبالعرض والله

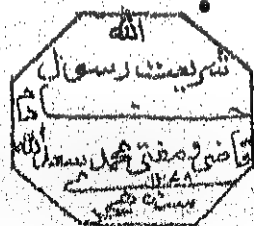
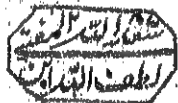
شاهد عليه وكفى بالله شهيداً  
ولا شك ان الظاهر مطلقاً تابع  
للباطن وليس الفضل فصل  
الظاهر الذي خالف الباطن و  
الله لا ينظر الى اقوالهم بل الى  
اسماؤهم ولولا الاستعجال  
لا ثبت بتصریح ما في الباطن و  
زدت توضیحاً للحقیقة الحال  
كتبه محمد المذعوب قطب الدین  
الحنفی القادری المكنى غفر  
له

بلدة رابپور
-------------

بسم الله خير الاسماء  
الله در الجیب شکر الله سعيه

[illegible]

ويشيب والاهم كما حقق من مذهب	ان هذا الجواب قريب بالحق
جسمه في اهل السنة ان الفضل	والصواب كما لا يخفى على اولي
الحكم الذي يجب فضل الثواب	الا ليا بـ حرره احقر الطلاب
الاخرويين المختلفاء الشريدين	محمد لطف الله عفا الله عنه
على ترتيب الخلافة ومن اختار	شك نيت را فضليت خلافة
وراء هذا فقد سلك غير الصراط	راشدين رضي الله عنهم اجمعين
المستقيم وخلافته	اما اعتقاد فضليت ايشان فيما بينهم
فقهاء العبد الا تشم الاواه	بحسب ترتيب ايشان ورفاهت
محمد سعد الله عفا الله عنه	وامر ظاهره يداور علومه بالطنية باشد
ما جناه ووقفه لما يحبه ويرضاه	نرجب اهل السنة والجماعة است
	فمن خالف فقد خرج من هذا
	المد مذهب الشريعة ومسلات



مسلكنا آخر والله تعالى اعلم و  
علمه انتم حريدة العبد الاثم  
محمد عبد الكريم عفي عنه

غلام اكبر خان  
عبد الكريم خان ولد

عبد الكريم خان ولد غلام اكبر خان  
صبر الجواب والله اعلم بالصواب  
نمقة عبد الله عفي عنه

غلام اكبر خان  
عبد الكريم خان ولد  
است خان  
غلام اكبر خان ولد

هذا الجواب مطابق لكتيب اهل  
السنة والجماعة

العدد ٨١  
محمد عبد الكريم خان

اما بعد فقد استمسك بالعروة  
الوثقى من اقلع شواشكوا  
قلوب الشاكين بالجواب  
الاسنى ولينظر الماهر ونالى  
ما اجاب فليتنافسر المتنافسون

الى ما اصاب

ظهور اسنى  
محمد عبد الكريم خان

اصاب من اجاب

محمد جعفر على عفي عنه

الجواب صحيح

محمد جمال الدين  
مولو  
محمد عبد القادر ولد

محمد عبد القادر والياتي مدر

صلى الله عليه وسلم

الجواب صحيح والراي بخير

٨٩  
محمد شارت الله  
مدرس مدرسه

الجواب مطابق لمذهب

اهل السنة والجماعة

مولوي محمد اسحق  
محمد نور النبي ولد

محمد نور النبي عفي عنه فقيه راسپور

٨٨  
سيد احمد  
ولد  
مولوي سيف الدين

محمد مولوي سيف الدين مدرس مدرسه

فاضل سندي  
احمد شاه ولد

الجواب صحيح

٦٣ ١٣

محمد تيب الله  
فقيه راسپور

ما اجاب به المجيب هو الحق

الملتقى بالقبول الذي استقر

عليه اراء العلماء الفحول وهو

المؤيد بالكشف الصريح لمجمع

عليه لا تكابر الاولياء واما جلد

العرفاء وفيه النجاة من الشفاء

والعناء والله سبحانه الهادي

الى السبيل السواء

٨٤  
محمد  
محمد ارشاد حسين

اصاب من اجاب والله دد

لمن اجاب



الحنفي مذ هباً والقادر في مشرباً  
والقشاً وري ثم الصوابي وطناً

عبد الوهاب

بلدة شاهرمان پور

الجواب صواب محمد حسين راسپوري

ما اجاب به الاستاذ القمقام

الفاضل المرام جناب مولوي

محمد ارشاد حسين دام فيضهم

معنى هذه الفتوى فهو الحق

القراحو الانصاف الصراح

وعليه اهل السنة والجماعة

سبحان الله تعالى اجمعين

فقهاء العبد الاواب محمد عبد الوهاب

قد نظرت في هذا الجواب من

اوله الى اخره فوجدته على

اعظم تحقيق واتم دقيق وعل

اسلوب عجيب وفجر غريب

جزى الله تعالى الجيب خير الجزاء

وحشوة في زمررة الصباية

الكبراء امين ثم امين ثم امين

خير خواه انام محمد نظام شاهرمان پور

عفا عنه الله المنعم





امتي على الضلالة ومن شئت	شمس الشمس سيدنا علي المرتضى
فقد ضل وغوى ولا يخفى على	وهو كما ترى وفي المصباح
من له اذ مسكة من العلم	الدرية واصحابه كلهم عدو
هو من ربه على الهدى ان	لظواهر الكتاب والسنة فلا
الا نسأب لا تعطى المنة نفعا	عن عدالة احد منهم كما يبحث
فان الاكرم عند الله من هو	عن سائر الرواة وافضلهم
اتقى وان مدار الافضلية	عند اهل السنة اجماعا انما
عند الله ليس الا على التقى و	شعير رضوا وما بعدهما فاجم
لو كان على اقرب اولى القربى	على انه عثمان رضي الله عنه
فسيدنا ومولانا ابو محمد الحسن	انتهى وفي الفاسي شرح
سبط النبي احرى بان يكون	دلائل الخيرات والاجماع على
افضل واولى من سيدنا ومولانا	افضلية سيدنا ابي بكر
امير المؤمنين نور الهدى	بالصديق رضي الله عنه على سائر الصحابة

[illegible]

الأخيار وأفضل الأربعة أبو بكر  
ثم عمر ثم عثمان ثم علي رضي الله  
تعالى عنهم اه ثم قال وخلافة  
الائمة الاربعة كانت باختيار  
الصحابة واتفاقهم ورضاهم  
ولفضل كل واحد منهم في عصره  
وزمانه على من سواه من الصحابة  
انتهى كلامه بالقاطع الشريفة  
ثم قال في بيان الشيعة انما قيل  
لها الشيعة لانها تشيعت  
عليارض وفصلوه على سائر  
الصحابه ثم قال قيل ان الشيخ  
من لا يفضل عثمان رضي الله

والرافضي من فضل علي عثمان  
ثم ذكر في بيان عقائد  
الرافض ومن ذلك تفضيلهم  
علياً على جميع الصحابة انتهى  
امريرقمه خادم الشريعة  
والمناهج عبد الرحمن بن  
عبد الله سراج الحنفية مفتي  
مكة المكرمة حالاً كان الله  
لهما حامداً ومصلياً مسلماً

بالحمد لله وحده وصلى الله وسلم

بالله  
عبد الرحمن  
سراج  
توفيقي

يا الله  
 عبد الرحمن  
 سراج  
 توفيقى

الحمد لله الذي جعل  
العلم نوراً في القلوب  
والله اعلم بالصواب



[illegible]

عليهم اجمعين فليعمل من خالف من  
البر افض والله اعلم كشيء حسين  
بن ابراهيم مفتي المالكية  
بمكة المحمية مصليا مسلما

س  
عبد

الحمد لله رب العالمين والصلوة  
والسلام على سيدنا محمد وعلى  
اله وصحبه اجمعين لا شاك و  
لا ريب في افضلية الصديق  
ثم الفاروق ثم ذي النورين  
ثم ابي الحسنين علي هذا  
الترتيب عند اهل السنة

والجماعة وما نقل في هذا السوال  
عن يقول لا دخل للخلفاء  
الثلاثة في الامور الباطنية  
فهو نوع شيطانية واما قوله  
فحصل لهم فضل السياسة  
المدنية فقط فهو خطأ عظيم  
ووبال وخير يخشى على قائله  
الكفر العياذ بالله تعالى فعن  
بالله العظيم وبوجه الكفر  
من تنقص اصحاب نبيه ذو  
القدر الفخيم وحمله دينه وشعر  
القوايم والله يهدي من يشاء  
الى صراط مستقيم

[illegible][illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن  
مصحفًا مباركًا

Handwritten signature and date: 25/11/1954

كتبه الحقيق محمد بن عبد الله بن  
حميد مفتي الحنابلة بمكة المشرفة  
حامداً مصلحاً مسلماً محسباً محمداً

عنه وكرم وجهه على الخلفاء  
الثلاثة ابي بكر وعمر وعثمان  
رضي الله عنهما و يقول ما لم  
فضل عليه رضي الله عنه في الامم  
الباطنية او يقول لاد حصل



بلدة مطهرة مرسنة على مشهور  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ  
 وَآلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ  
 ما قولكم بعد ادم فضلكم  
 علماء اهل السنة والجماعة  
 اصحاب الشريعة والطريقة  
 فيمن يدعى انه من اهل السنة  
 والجماعة ويفضل عليا رضي الله

للاصحاب الثلاثة رضوان الله  
 تعالى عليهم في الولاية الباطنية  
 او يقول انما حصل لهم التفضيلة  
 بعد الاختلاف لامن قبلها  
 فعل معتقدى هذه الكلمات  
 يطلق اسم التفضيلية ويصريح  
 انه مخالف للاجماع اهل الايداء  
 ما جورين

[illegible]

عبدظفر الحسینی  
حکیم پورن پرمیہ  
ستیا بھائی ایشوا رتنا  
اینگلو واکاف جبرما  
ویجے کوٹیا بدراو  
درو خوارا شند  
اطلا

[illegible]

الحمد لله تعالى من رافع السماء  
بلا علم اسئل العون والتوفيق المدا  
اعلم انه قد انعقد الاجماع من  
الصحابة ومن بعدهم من التابعين  
الواحد في حقهم خير القرون  
ثم الذين يليوهم ثم الذين يليوهم  
كما اخبر بذلك الصادق الامين  
ثم من بعده هؤلاء ائمة الهدى  
ومصابيح الدجى ومن اقتدى بهم  
من اهل السنة في كل عصر وحين  
على ان افضل الصحابة ابو بكر  
فهم نعم عثمان فعلي رضي الله عنهم  
اجمعين ولقد تواترت النقول

[illegible][illegible]





در روز  
 که بیست و هفتم  
 رسول الله صلی الله علیه و آله  
 و سلم در بغداد که افضل  
 استنای صلی الله علیه و آله  
 و سلم که در آن روز  
 است که در آن روز  
 عثمان در آن روز  
 طبری در آن روز  
 این فرقی است که  
 علیه و سلم در آن  
 نیز در آن روز  
 ص ۱۳۴













الحمد لله وحده وصلى الله على من  
لا نبي بعده وعلى آله وصحبه و  
تابعيه وحزبه أما بعد فما قرأه  
هذا المحقق الامام مفتي مدينة  
المصطفى عليه الصلوة والسلام  
هو مذهب اهل السنة والجماعة  
الذي يقول عليه وغيره مذهب  
رافضى لا يلتفت اليه وهو الحق و  
الصواب لبنا كما نثر في قلوبنا بعد  
اذ هدد بذنا وذهب لنا من ذلك  
رحمة انك انت الوهاب امين  
كتبه الفقير الى الله تعالى محمد  
نائب القرب الشافعي المدد من الرحمن

ابن حسین  
فخران

[illegible][illegible]

هو و طبيب لنا من بلدنا

[illegible]





الحجواب حق والمحق احق بالانبا

الحجيب مصيب

العبد  
سيد امير عفا الله عنه  
المتوطن كاشعرو

العبد  
سيد محمد شحيد  
پيشاوري

الحجيب حق والمخالف بافضي والسالك شيعي

العبد  
الضعيف غلام احسن كاشغري

## خاتمة الطبع

۱۵۳

الحمد لله العلي العظيم والصلوة على رسوله الكريم كه اين : محبوب روزگار يعني فتو آ  
مشتل بر افضليت چارباير همچنان دو سابقيت بترتيب خلافت از افرادات  
قدرة العلماء حمزة الفضل حضرت مولانا سيد علي اعظم صاحب قدير  
پهلوار و بنو بدليله العالي كه يكي از اولاد حضرت مخدوم جهانيان سيد جلال بخا  
قدس سره است متضمن بحقا ازل سنت و جماعت و تدريس اوليائ الله صفا  
كشف و استقامت مسمي بر معيار المذهب مدلل و مبين بايات و امارات

وکتب عقائد و فقه و مستند سکتوبات و ملفوظات مشایخ صوفیه صافیاء و لیا ائمه  
 از هر سلسله خصوصاً سلسله عالییه قادریه و چشتیه و فردوسییه و نقشبندییه و  
 مجددیه و مرقن و مشید بمواسیر و تحریرات و تصحیحات علمای اعلام و فضلاء  
 مدرسین برره کرام یعنی مفتیان بهر چهار مذہب مکه معظمه و مفتیان و مدرسان  
 مدینه منوره الاستیاضه العلماء بلده طیبہ زاوہم الفضلاء و تعظیماً و علمای عالمیه  
 رامپور و لکھنؤ و دہلی و مراد آباد و کانپور و سہارنپور و پانی پت و تعلیم آباد و بلکہ کلکتہ و  
 معتضد و محلی بدستخط و قبولیت زبدۃ العارفین اسوۃ الفاضلین شیخ الغامین  
 حضرت سجاد نشین قصبہ پہلواری و سجاد نشین حضرت مخدوم الملک شیخ  
 شرف الدین احمد کیمی میری بہاری قدس سرہ کہ در شہادۃ البحرۃ تالیف شدہ  
 بود اکنون در اوائل حمادی الآخرہ ۱۲۹۲ھ حسب اجازت جناب مصنف علامہ تبارک  
 راجی غفرانہ محمد عبید الرحمن بن حاجی محمد روشن خان و تربیت یافتہ شد  
 برادر معظم محمد مصطفی خان ادعلما التدریج و تہ اسجنان در مطبع نظامی واقع کانپور حلیہ  
 الطباع پوشید و لباس ارتسام در بر کشید

قصیده مشتمل بر چند سخن متعلقه معیار المذهب و تاریخ طبع آن از

سولای محمد بنی سید الله و رقاہ متخلص بحسب **ت** پہلواری

نہار حمد و ثنا بحسب فضل و سعادت	کہ فضل دوست برون از عقل اسلام
شود و بعد ازش لال لعل طے خانہ	رسد با وج کمالش چرخ و ہستم نام
مہرش چو بگوید محمد کا اخصی	کر است یا کہ آنرا اکنون کند و خبام
مفضلیکہ با حیرت کلام منور	بخیر خواہ اتم ہم خطاب نیر نام
چہ خیر خلق کہ گراو نمیشدے مخلوق	نمی نہاد ظلال حق بلک ہستی کام
ز نور حق چو منور شد آن سراج منیر	پدید شد ز رخ انورش چہ نام
کیا بیان شود او صاف آن معاد و ما	لا اکند بد رگاہ عالیش حرام
امام خیل رسل خیر و افضل آنها	چو انجم اندر سولان و آن جوہر تمام
رسول رحمت عالم ملازم محتاجان	مشفق است و شفیع عیصات روز قیام
رسد ز حضرت حق در جناب اقدس او	ما دم تحفہ مرصع پیر و درود و سلام
کنم مراح اصحاب و آل او کہ مبدند	و رعایت بہت او و محتاجات دین اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد  
 انزل الله على رسوله  
 ما يشاء  
 وما كان لغيره  
 ان يفتي  
 في شيء  
 الا بما اراد  
 الله تعالى  
 وما كان لغيره  
 ان يفتي  
 في شيء  
 الا بما اراد  
 الله تعالى

<p>                 که بود غیر پس از جمله انبیای کرام                  ستود و داد حق از اگر نیستش اعلام                  که بد اساس بی شهر علم فیرانام                  نصیب او شد از ایمان بی خواص علم                  شود پدید اگر دور باشی از او نام                  سعیت نبوی حاصلش شده ما دام                  خدا چنانکه قاضی بی رسول کرام                  ازین بشارت عظمی هم ای اولی الاضلاع                  بنام و مساجد بصومعه اصنام                  بنوش شدی حاصل اگر گشتی تمام                  بیامی بد باند خلعت اسلام                  چه بد بیکه آتش آید همسبب اعلام                  ز سهر او بگریزند و یو با چهره مرام             </p>	<p>                 خصوص حضرت صدیق راس یقینان                  بر فضلیکه به لایا تلی اولو الفضلش                  از آنکه نیست بهمان ریخت رنگ وید                  حکم قائل من سن سن حسنه                  ازین دلیل تراست که استین                  خدا پر صفتش و الدین متع کفت                  کسوف خاص برای رضای او فرمود                  پدید میشودش شمعیت به پیوسته                  عجز که از سپه علم رسول جبران بود                  بین فضائل آن فضل خوار علم نبی                  چو یافته ز قیص تجرید که تشریف                  کسوف شمس بود موضع جلالت او                  بقدر ز جعل الحق حل لسان عجز او             </p>
---	---

و ما کان لغيره ان یفتی فی شیء الا بما اراد الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد  
 انزل الله على رسوله  
 ما يشاء  
 وما كان لغيره  
 ان يفتي  
 في شيء  
 الا بما اراد  
 الله تعالى  
 وما كان لغيره  
 ان يفتي  
 في شيء  
 الا بما اراد  
 الله تعالى

هذا من انبیا  
 صلوات الله علیهم  
 و ما کان لغيره  
 ان یفتی فی شیء  
 الا بما اراد  
 الله تعالى

بسم الله الرحمن الرحيم  
 قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم  
 من اقبل بقلبه على الدنيا فانه في الدنيا  
 من اقبل بقلبه على الآخرة فانه في الآخرة

<p>                             نزول وحی ازل حسب رای او میشند                              خلاصه آنکه بوجیه کمال خود شیخین علی                              ازین سبب در سید پیچکس بر تاج شایان                              ای مدینه علم نبی تست نشان سقف                              و بای او به و را بزرگ او دخت نبی                              چه دست سید بهار طلیه یکدختگان                              یو علم و دخت و صبر و رضا و تسلیمش                              محافظ دم اخوان و حبس قرآن                              در مدینه علم نبی علی تست ازلان                              گفته در خیر شجاع و شیر خدا                              دلیل بندگی او عیان ز سید آهسته                              رخ محمد زوج بتون ابو الحسنین                              برین چهار و بران شش که باقی اندزده                         </p>	<p>                             که داد و بود در سولش قان گنج پیغمبر                              بیافتی مراتب چو انبیا س که کرام                              بود اگر چه سر خیل او لیا س عظام                              بگفت حق و حقا که بوضوح آن کرام                              و را چنین صفت خاص در حق زانام                              و را فضیلت و رفعت بفهم ای قدام                              رخیر او نشوشتند ناقلان کلام                              رفیق خاتم پیغمبران بدر اسلام                              خطاب داد به آفتاب گمش سول کلام                              و نام او بگزیدند کاسه ان خصما                              و بیگم جو نشانش در بندار اسلام                              ولی و موسن و والی و ناصر اسلام                              بران دو قره عینین و بضم غیر انام                         </p>
---	---

منتهی علیه السلام  
 ازین سبب در سید پیچکس  
 ای مدینه علم نبی تست نشان  
 و بای او به و را بزرگ او دخت نبی  
 چه دست سید بهار طلیه یکدختگان  
 یو علم و دخت و صبر و رضا و تسلیمش  
 محافظ دم اخوان و حبس قرآن  
 در مدینه علم نبی علی تست ازلان  
 گفته در خیر شجاع و شیر خدا  
 دلیل بندگی او عیان ز سید آهسته  
 رخ محمد زوج بتون ابو الحسنین  
 برین چهار و بران شش که باقی اندزده  
 که داد و بود در سولش قان گنج پیغمبر  
 بیافتی مراتب چو انبیا س که کرام  
 بود اگر چه سر خیل او لیا س عظام  
 بگفت حق و حقا که بوضوح آن کرام  
 و را چنین صفت خاص در حق زانام  
 و را فضیلت و رفعت بفهم ای قدام  
 رخیر او نشوشتند ناقلان کلام  
 رفیق خاتم پیغمبران بدر اسلام  
 خطاب داد به آفتاب گمش سول کلام  
 و نام او بگزیدند کاسه ان خصما  
 و بیگم جو نشانش در بندار اسلام  
 ولی و موسن و والی و ناصر اسلام  
 بران دو قره عینین و بضم غیر انام

در سید پیچکس بر تاج شایان  
 ای مدینه علم نبی تست نشان

که داد و بود در سولش قان گنج پیغمبر  
 بیافتی مراتب چو انبیا س که کرام  
 بود اگر چه سر خیل او لیا س عظام  
 بگفت حق و حقا که بوضوح آن کرام  
 و را چنین صفت خاص در حق زانام  
 و را فضیلت و رفعت بفهم ای قدام  
 رخیر او نشوشتند ناقلان کلام  
 رفیق خاتم پیغمبران بدر اسلام  
 خطاب داد به آفتاب گمش سول کلام  
 و نام او بگزیدند کاسه ان خصما  
 و بیگم جو نشانش در بندار اسلام  
 ولی و موسن و والی و ناصر اسلام  
 بران دو قره عینین و بضم غیر انام

بجملة آل و صحابه که کلمه خیر اند  
 مرا ازین سپس اظهار کردن مقصد  
 کسی عقیده تفضیل کرد استفتا  
 چه نوحی سنت و حاجی ظلمت بدعت  
 عدد را فاضی و سن بر جی و و نابی  
 برای گردن تفضیلیان و بدعتیان  
 عقیقت و ذکر و متنازع شاعری کاتب  
 سوختار یک کند کار خلوتش جلوت  
 سریره که بگردش گئی نگر دو هم  
 بجاه و شمت و عزت و علم و شرف  
 بزرگشانی و تدریس و ذکر خیر و خلقت  
 بهین جواب که تحریر کرد آن خیر  
 هم از حدیث و هم اجماع صاحب آل نوحی

رسد مرا هم و رضوان این بزرگوار  
 خیر و بر شد چو رسید درین مقام کلام  
 ز عالمیکه نخواست برید بر راست امام  
 سعید مذہب سنی و حاجی اسلام  
 ز پیشتش بگریزند این فرق صد گام  
 دوام کلک بگر سلک او مثل حسام  
 مطاع ما و مطیع عفت او خیر انام  
 بو حدتش نید بکثرت جسان آلام  
 چو آفتاب منور گشت درم افهام  
 نیافتند چو آن زان حبس برید عوام  
 چنان بخلق شد اشکر که عظمش شد نام  
 ز قول پاک خداوند منعم منعم  
 هم از عقائد و اقوال صدوفیان کرام

این جواب به بینی چشمه ان خبر	خدا بهر دو جهانش دهر جزای تمام
نمود حاجت تصحیح کس برین نتو	مگر برای طمانینت قلوب عوام
مزینش ز سوا میر خوشن کردن	ز بهند تا عرب جمله افتیان عظام
کنون مانند کسی را مجال اسکارش	اگر ورا که بود به نفس و شیطان رام
پرواین حقیقه ماستیان شده مطبوع	ز فضل اینز دکنین اندرین ایام
بگفت مگر غم غم که طبع شد حسرت	
حقید تیکه درویش کس نکرد کلام	
ایضا سینه تاریخ طبع معیار المذهب در نشر فارسی	
عقائد ما اصل سنت و جماعت	
ایضا سینه تاریخ تالیف معیار المذهب در نشر فارسی	
شعاع پاک اصحاب و مدارج چار اصحاب	
ایضا سینه تاریخ تالیف در نشر عربی	
نعم الکلام ما قال الحبيب العلامة هو الكافي لا يحتاج من بعد ما وجدناه بعد من الاتحاف	

این کتاب درین  
 قریب سیصد  
 نسخه  
 در کتابخانه  
 مجلس  
 ۱۵۹  
 تصحیح این  
 سند  
 شده



## ایضاً سنه تاریخ تالیف

کرد محمد ریچون اعظم در	رد تفضیلیه مستوای نفیس
سال تالیف بن ااتف گفت	رد تفضیلیه پیشک نویس

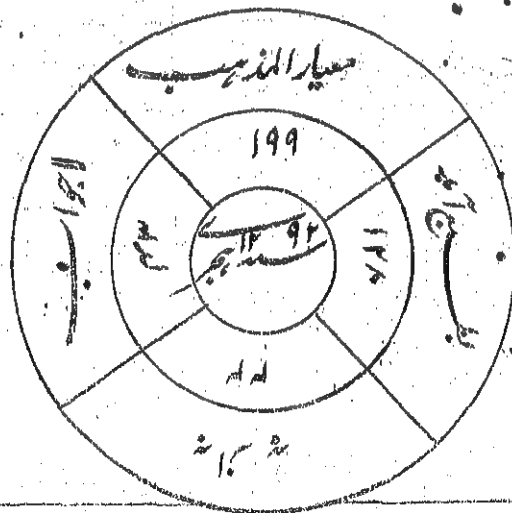
تاریخ دیگر بجز جدید و عجیب از مجمع علوم و فنون مولوی احمد کبیر صاحب ساکن قصبه پهلواری حیرت بخش

## تاریخ طبع فتوای سیدی عیار الدین

نویز قلم برایت رقم هر سپهر شریعت ماه فلک طریقت گل گلستان سخاوت  
بلبل بوستان فصاحت بحر علم کوه علم حضرت مولوی و مولانا  
سید علی اعظم صاحب و قبله دظلم که در نشر از من احمد کبیر حیرت  
نویز قلم بر آید پند پند خاطر اصحاب سخن باده و علاوه آن از هر در که فرض  
کنند تاریخ طبع بر آید و طریق استخوان جوش اینست که اگر عدد مفروض طاق باشد  
از هر خانه که خواهند شمار کنند هر عدد که زیر خانه اتمای شمارینند علیحد  
بنویسند و باز از خانه همپهلویش ابتدا کنند و عدد خانه اتمای شمارینند

تریه آن عدد که نوشته اند علی الترتیب نوشته باشند حتی که دایره تمام شود  
 میزان و چند ۹۲ هجری سال بطیوع بر آید و اگر عدد مفروض جفت باشد از  
 هر جا که خواهند ابتدا کنند و عدد خانه انتهای شمار آنچه بیاورد علیحده بنویسند و  
 خانه انتهای شمار را باز مبدأ قرار داده شمار کنند و عدد انتهای آن نوشته باشند  
 حتی که دایره تمام شود میزان دهند سنه مطلوب بر آید و از جمیع اعداد اخیرا  
 و از جمیع الفاظ خواه موضوع باشد یا مصلی آنچه بر زبان در آید از آن سلیح  
 این نسخه مستبر که ازین قاعده دایره بر آید ان شاء الله تعالی و کتب

۱۴۱



نشر تاریخ طبع از وحید العصر فریدالیه مولوی احمد کبیر صاحب تخلص  
 بحسرت ابن خاکی مولوی محمد فرید صاحب رحمة الله علیه ساکن قصبه پہلو  
 کہ از ہر طریش ۹۲ ہجری برمی آید و اگر از زاویہ امین محرف تا زاویہ ایستہ باشد  
 ۸۴۵ عیسو حاصل گردد و اگر از زاویہ امیر محرف تا زاویہ امین بگیرد ۸۲۵ عیسو  
 بی کم و کاست ظاهر شود

سال طبع جدید بسیار المذنب			
۹۲ ہجری			
این گنجینہ پاک جو اسبابی قریب	با ہر لطیف رب	مؤلف مولانا	وسید نامو لو
اعظم	صاحب	مجموعہ	وجوہ
احسن	وارث	بیرایہ	ترکیب مطبع
درآمدہ مطبوع اہل حیا شد	واولین طبع	این اجوبہ	از باب ابن زوایا حاصل
ایضاً			
مولوی سید علی اعظم بدعہ		ہست خورشید پیر عالمان	
چونکہ شد توای آن مطبوع طبع		سال آن نوشتہ بحسرت ابن خاکی	

۱۶۲

# فہرست مضامین بعض فرائد حیا اللہ شریب

صفحہ نمبر	مضامین و قوالہ	اسامی کتب مقبولہ
۳۰	ثبوت افضلیت علما رضی اللہ عنہم قبل خلافت	شرح عقائد الشریعہ وغیرہ الطالبین در عبارت غنیۃ الطالبین در بیان اودہ و وصفہ واقعہ صحت
۳۱	ثبوت تقدم درجہ حضرت صدیق رحمہ قبلہ خلافت	مراجعات النبوة شیخ عبدالحق محدث دہلوی
۳۲	ترتیب افضلیت از آدم علیہ السلام تا علمای امت محمدیہ صلی اللہ علیہ وسلم	مناقب السادات الکرام علیہم السلام قاضی شہاب الدین علی بن ابی طالب
۳۳	ثبوت افضلیت خلفائے ثلاثہ رضی اللہ عنہم	صحیح بخاری و ابن ابی شیبہ
۳۴	تفسیر الوصوفی	تفسیر الوصوفی
۳۵	حیاط اعمال افضلیت بیان از قول حضرت سفیان ثوری رحمہ	مسند ابی داؤد
۳۶	ثبوت افضلیت عثمان رضی اللہ عنہ	صحیح بخاری
۳۷	افضلیت ہر چہ ہمارہ از ترتیب خلافت باجماع صحابہ و انصوص	مالا یورہ از قاضی شہاب الدین علی بن ابی طالب
۳۸	ثبوت افضلیت ترتیب مذکور از اقول جہود و سلف	شرح عقائد نسفی و شرح عقائد
۳۹	حدیث بروایت حضرت علی رضی اللہ عنہ و فرمودن حضرت امیر المومنین علیہ السلام	مشکوٰۃ شریف
۴۰	ثبوت افضلیت صحابہ ثلاثہ خصوصاً ائمتہین و حدیث شریف و بعد فرمودن رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم	صحیح بخاری

نمبر	مضامین و فوائد	اسامی کتب منقول عنہا
۱۵	تفصیل فی خطاطی و مخالفات اجمال و تشبیہ و رافضی و متبع و ترکیب گیر بودن تفصیل و ہندہ حضرت علی رضی اللہ عنہ بہ اصحاب ثلاثہ رضی اللہ عنہم وفا و وفی و وفیتہ الطاہرین	تہذیب ابو یوسف و صالم فی شرح موافقت و تحفظ اثنا عشرین وفاء و وفی و وفیتہ الطاہرین
۱۵	تسبیح کونین سنگینہ ہا در دست پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم و خلفای ثلاثہ و در دست علی رضی اللہ عنہم غیر	درایج النبوة منقول از تہذیب ابو یوسف و صالم
۱۹	مسند الفضیل الخفاف علی الترتیب اجماعی است و مخالفانین عقیقہ رافضی است	شرح فقہ الکبیر
۱۹	صدیق اکبر افضل اولیای و ولیدین و آخرین است	شرح فقہ اکبر
۲۱	شہرت فضل صدیق اکبر عند الناس از خلافت است اما فضل سید محمد عند از سیدی است کہ نمادہ شدہ و در قلب شریفین	احیاء العلوم از امام محمد غزالی
۲۲	شہرت فضل حضرت عمر فاروق عند الناس از سید است محمد بن فضل می عند اللہ از علم باللہ است کہ در وقت عمر آن از موت عمر و بنی فضل می عند اللہ بقصد تقریب او و در لایب است محمد بن شفقت می بر خلق و این امام را باطنی است و در شری	احیاء العلوم
۲۲	ثبوت افضلیت باطن حضرت صدیق	رسالہ القدیریہ لفقہ طہریت بہار الدین نقشبند قدس سرہ
۲۳	مستند فہم کتاب قواعد العقائد تصنیف امام غزالی و کتب و نش موافق عقائد اہل السنۃ و الجماعہ و تمام کمال خواندہ شدنش و مجلس شریف رسول کریم صلی اللہ علیہ وسلم و پسند فرمودن و سرود شدنش و طاعت فرمودن حضرت سرور دنیا علیہ الصلوٰۃ و السلام بحال امام غزالی و صلوات آن مع کما یتخواندن ایضا از جامع کتاب خود و احوال بحال ایشان ہندہ از شہرت بعدہ حاضر شدنش یک رافضی مع اجزای عقیدہ باطلہ نمود و زجر و ہانت فرمودن او را و انداختن جزای ایشان و ہر کس کہ در شہرت از مجلس شریف	افضات جہامی رحم

ردیف	موضوع	مضامین و فوائد	اسامی کاتبین متقول عنہما
۲۳۳	حاشیہ	استشهاد و از انظار موقفاً کہ در احیاء العلوم واقع شدہ بہر منہی کہ سلسلہ تفصیل بر وجہ ترتیب انہی تقینیات است عند الاولیا	مؤلف
۲۳۴	متن	انصاف و مکن صدیق اگر مقامات عالیہ پر فوق حضرت و مقام انبیا علیہم السلام	احب العلوم
۲۳۵	متن	اعرف بالصدق المکمل در عرفان ولایت بودن حضرت ابوبکر صدیق رضی	احب العلوم
۲۳۶	متن	تکلیف استقرار حضرت یا غار و مقامات لایت انبیا الطیفین آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم شرف الدین احمد یحییٰ لہری بہاری قدس سرہ	کتوبات دوسہ حضرت شیخ
۲۳۷	متن	استلال امام غزالی تفسیر صدیق از آنکہ کریم لا یأکل أولو الفضل منکم والسعة	احب العلوم
۲۳۸	حاشیہ	آوردن شیخ عبدالحق محدث دہلوی تفسیر صدیق اکبر این آیت لا یأکل أولو الفضل منکم والسعة و این بیت حکیم سنائی ہم سے بود چندان کرامت و فضلش ہم کہ اولو الفضل خوانند و فضلش ہم	مدارج النبوة
۲۳۹	متن	نداء آمدن حضرت رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم را بشب حواج از حضرت رسالت پادشاهی بگو و استیناس حضرت خیر البریہ در ان مقام ہم استماع این کلام فرمودہ خدا تعالیٰ تھا کہ ترا و ابوبکر را از یک طہنت آفریدم	فتوحات کلید مدارج النبوة
۲۴۰	حاشیہ	نشان در احیاء العلوم بلین نکند کہ حضرت رسالت مآب صلی اللہ علیہ وسلم در ترویج اخوت جناب صدیق اکبر با حضرت علی رضی اللہ عنہما شریک ساہم فرمودہ و بر آن بنیاد فی فضل حضرت صدیق از جنبت مقاربت عدلت اہلسنت آن سر فراز نمودہ	احب العلوم
۲۴۱	متن	قائم مقام چون صدیق اکبر رسول خدا را صلی اللہ علیہ وسلم مقامات عالیہ در محل جہا وی صلی اللہ علیہ وسلم نمودن کسی اعلیٰ از صدیق اکبر کہ مجھو بیگر داور از ان مقام محی الدین بن البرہس	فتوحات مکالم الشیخ الاکبر
۲۴۲	متن	بیان قطبیت خاصہ اسرار آن بودن آن مقام تنگ اعلیٰ و احتیاج دوام حضور در ان و بیشتر مقامات مانند صدیق اکبر در ان مقام کمتر ممکن بود فی بکران بران	فتوحات تکمیل

[illegible]

صفحه	تاریخ	مضامین فائده	اسامی کتب منقول منها
		وفات قمر و صدیق اکبر و قطب شد و عمر و عثمان بن عبد الملک و عبد الریس بنی امان شدند و چندین شیخ از نظام قطب شد امان مار و زیارت	
+	+	فائده ۱ در بیان اسببین الفوق حضرت غوث اعظم سیدنا شیخ عبد القادر جیلانی رضی الله عنه و مجلس بوم الثانی و الثامن شعبان شکسته جزی و قمر مست قطب آنست که خبر در آن آشنایان و صرف کردن ایشان و صرف نبی صلی الله علیه و سلم باشد و تصرف آن قطب مثل تصرف نبی چرا نباشد و حال آنکه قطب غلام یعنی گوشتی باشد خلیفه نبی است و راست او آن خلیفه رسول و خلیفه حق تعالی است این خلافت باطنی است امام سائر مسلمین است و قدیم و جدید و این خلافت نظام نیست قطب آن کس است که حلال نیست کسی از مسلمین ترک متابعت اطاعت او و تنسی و تنقیح	این فائده جدید و غیر رساله است
۴۴	متن	ملاقات کردن صاحب قنوجات مکینه از حضرت علی و صدیق اکبر و عمر رضی الله عنهما و آنچه تقریر است از آنحضرت بمیسان آمده	حاشیه بر سیرت ائمه مفصله بنجر العلوم ملک العلماء قدس سره که در کتاب التجلیات صاحب قنوجات نقل فرموده
۴۵	متن	ثبوت تفصیل علی ترتیب الخلافة	آداب الدین شیخ ضیاء الدین سهروردی که پیر شیخ حضرت شیخ الشیوخ شیخ شهاب الدین شیخ نجم الدین که پیر است

کتاب



نصف	موضوع	مضامین و فوائد	اسامی کتب متبوعین
۴۳	متن	تشریح تفصیل علی ترتیب الخلافة	شرح آداب المریدین تصنیف مخدوم جهان فطیلات حضرت شیخ شرف الدین اکبر میری بسا که قدس سره
۴۴	متن	استدلال بر فضیلت از دو حدیث یکی اهل برافضایت مطلقه و دیگری دال برافضایت مطلقه و فضیلت مسلم باطن بالخصوص	شرح آداب المریدین
۴۵	متن	استدلال عقلی بر فضیلت جماعت حضرت صدیق اکبر	شرح آداب المریدین
۴۶	مجموعه	تأیید و تفسیل عقلی مذکور از حدیث شریف	احیاء العلوم
۴۸	متن	ایضا از صاحب شهاب و نظائر در مدح حضرت امام اعظم رح	اشباه و نظائر
۴۹	مجموعه	بیان بعضی از احوال حضرت مخدوم جهان فطیلات قدس سره و ذکر شرح آداب المریدین	اجمل الاخیار از شیخ عبدالله بن محمد بن علی
۴۹	متن	عبارت راحت القلوب	ملفوظات حضرت شیخ الاسلام شیخ فرید گنج شکر قدس سره
۵۰	متن	استدلال بر فضیلت جمعی از ترتیب خلافت از آیه محمد رسول الله و ولادین محمد الیه	شرح آداب المریدین
۵۱	متن	تفصیل باین الفاظ (چون دلیل آمده که عثمان بیشتر از علی بود)	شرح آداب المریدین
۵۱	متن	استدلال بر فضیلت و برتری صدیق اکبر از دو حدیث شریف	آداب المریدین
۵۲	متن	تقریر و پسندیده در شرح این قول	شرح آداب المریدین
۵۲	متن	دلیل بر دور و قوت قطبیت صدیق اکبر در آنکه بروز و قات حضرت سرور کائنات صلی الله علیه و سلم از وی رفته بطور آئینه	آداب المریدین
۵۳	متن	تقریر و بیان قوت ولایت از صدیق اکبر در آنکه سی و سه هزار صحابه بودند در آنوقت که صدیق اکبر بر مبر رفیت و خطبه خواند آنحضرت	شرح آداب المریدین



ردیف	موضوع	مضامین و فوائد	اسامی کتب مقبول
۵۴	متن	پسین و سبع تابع راس باشد و اگر آب عانی نه باید و حاصل هر نوع آنکه چنانکه گویند بطاهره معتد به نقل میناید لیکن حقیقت از سرست همچنین صدیق اکبر بلکه انسان کامل و ماکا اگر چه بطاهره از جهت تعین غیر حق دیر می شود لیکن حقیقت اوصی است که تعین او از نظر شش بر خاسته انتہی	مثنوی مولانا روم مع بعض فوائد شرح ادب و العلوم قدس سره
۵۵	متن	استلال بر نبات و شجاعت حضرت صدیق اکبر و حکایت سوال اعرابی و جواب از حضرت رسول مقبول صلی الله علیه و سلم مشعر کمال قرب و اتصال و تقدیر صدیق اکبر و بعد از نوشتن خدمت و بیان معلوم شده که اورا از محل خاص بود که دیگران را نبود	آداب الکریمین لا شیخ ضیاء الدین ابونجیب سردر و شرح آن از مخدوم جهان بهاری
۵۵	حاشیه	غزل در بیان حال صدیق اکبر و تقدیرش در کمالات نبوت	دیوان حضرت مولوی شاه نیاز محمد قدس سره
۵۶	متن	تخریص تلبر و حدیث یک لم یفضل ابو بکر کثرة صلوته الخ و دیگری ماصی الله شیخانی صدیق الا و قد بینه فی صدر ابی بکر و بیان علو رتب صدیق رضی الطهرت مولانا مظفر علی قدس سره	مکتوبات حضرت حضرت مخدوم الملک موسوی الطهرت مولانا مظفر علی قدس سره
۵۷	متن	عبارت مشتمل بر معنی حدیث ان الله یحب الی الخلق حاتم و ابی بکر ص	مکتوبات صدق
۵۸	متن	عبارت مشعره تقدیر صدیق اکبر در کمالات	مکتوبات صدق
۵۹	متن	در بیان حدیث ماصی الله فی صدیق الا و فرمود ان یمنی کذا ما جالسهم مثل اینچنین بر پیر محمد صلی الله علیه و سلم و مثل اینچنین مرید یعنی صدیق اکبر رضی الله عنه دیده و شنیده نشود یعنی چنانکه مثل خاتم النبیین متع و حال است همچنین مثل این افضل الصلوات تعین متع و محال	فوائد کتب حضرت مخدوم الملك بهاری قدس سره
۶۰	حاشیه	تأسیس بر بکرین معنی پیر سرست و مرید سرست	کنج فیاضی مقبول از

نمبر	توضیح	مضامین فوائد	اسامی کتب بقول عثمان
			قول حضرت سلطان سید الشرف جهانگیر قدس سره
۵۸	متن	حدیث ام الفضل ابو بکر کثرت صیام آخ	شرح تعرف
۵۹	متن	سند مرو حدیث یعنی با صلب الدائم و لم یفصل ابو بکر الخ که بر علو مرتبه والکلیت حضرت صدیق تاطیق است	مدارج النبوۃ
۵۹	متن	عبارت شتمایه خصوصیت و منقبت عظیمه صدیق اکبر که بی اعانت او کتب گذرد و بر بارگاه رسالت و شوار است	کتوبات قدوسی که کتب قطر الوقت شیخ الطهرانی گنگوئی چشتی قدس سره
۵۹	متن	صدیق اکبر علیه السلام بود که مال و جمال او این مقدار بود که هیچ کس از او دنیا را نبرد و آخرین بمرتبه او نرسد	کتوبات قدوسی
۵۹	متن	دین مقام صدیق اکبر چنان بلند رفت که دست هیچ ولی از ابتدای عالم تا آخر گردد این اعلامی او نه گشت صورت او نبوت محمد صلی الله علیه و سلم و خطای دل بدید گشت الخ این معنی تشبیه بالنبی اصلی الله علیه و سلم که یعنی علی و معنی افضلیت آنرا قرار داده اند تصدیق باینکه در اینجا جمیع تقریر و معنی در حق صدیق اکبر با آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده که (محمد رسول الله و قاب تمسکین او ادنی از او با وی بیک صورت و بیک معنی لاجرم تمسک خلعت بصورت حاجت نیاند که در معنی هر دو بیک معنی آمد)	کتوبات قدوسی
۶۰	حاشیه	کجا رسائید صدیق اکبر این ادب قائم قلم و امام گردانید بعد از وی و بجای او رسائید که هیچکس سر رسالتی تمسک نیافزین این فتوی این فقره را بنفرد ملاحظه فرمائید که (بجای رسائید که هیچکس نرسد)	مدارج النبوۃ

ردیف	متن	مضامین و فوائد	اسامی کتب و مؤلفان
۱۰	متن	حدیث ماصیبه الله انکم به تقریر نو	مکتوبات قدوسیہ
۱۱	متن	حضرت صدیق رضا قدس کمال رسانید و در غار بایقار شد و گفت من جمعی اتفاقاً را در جبال محمد صلی الله علیه و سلم دیدم ابو بکر و علی را در فقر داشتی و عثمان و عبد الرحمن بن عوف ابرغنا گماشته چون بفرمان پسر بود ایچ زبان داشت بلکه همه کمال بر کمال بود و هر جبال چرب سال می افزود و آنچ	مکتوبات قدوسیہ
۱۲	متن	غیر صحابی اگر چه در مرتبه رفیع رسد و صاحب ولایت و صاحب تصرف و عطا کرد و بر تریجی بکار رسد که فضل صحبت فضل کلی است و آن فضل جزئی و فضل جزئی با فضل کلی برابر بود از اینجا است که صدیق اکبر را بر جملہ اولیای عالم فضل آمده که از ابتدا تا انتها فضل صحبت یافت ماصیبه الله شکیانی صدری الاوقد صحبتت فی صدر ابی بکر شرافت	مکتوبات قدوسیہ
۱۳	متن	از سلامت اہل سنت و جماعت تفصیل شریف و صحبت فتنین پس هر کس و در پنجین فتنی را یا عرشی را ولی را یا علی را پس تفصیل دہندہ از ارباب ضلالت و ضایع است از اصحاب ہایت اسرار جسدیان ایمان اسلب میکند و حافظ الدین و ملک پس چون حال ایمان انجمن شد پس از کجا حالات و مقامات خواهند بود و انتہی مترجم و ملخصا	مکتوبات قدوسیہ
۱۴	متن	علی را بر جملہ اصحاب فضل و بہ و آن را فتنہ است	مکتوبات قدوسیہ
۱۵	متن	حدیث لم یضلکم ابوبکر بکثرۃ سلوۃ ولا بکثرۃ صوم و انما ہونتی و قری فی صدرہ و نہ گویم کہ علی را شجاع تر از ابوبکر بود و بلکہ علی شجاع و دینی ابوبکر شجاع تر کمانی الحوائج	از ادای برہنہ
۱۶	متن	شہر در معنی ہر دو حدیث لم یضلکم الخ و ماصیبه الله الخ سہ صد دین صدیق اکبر قطب حق بہ در تہیہ چہ از ہر برہ سہق بہ انجی حق از بارگاہ کبریا بہ ریخت و در صدر شریف مصطفی مہ آن ہر برہ سہق	منطق الطیر حضرت زید الدین عطار رحمۃ اللہ علیہ

ردیف	مضامین و فوائد	اسامی کتب منقول عنها
۱	صدیق رحمت + لاجرم نابود و تحقیق ریخت +	
۲	فائدہ حضرت ناصی ثناء اللہ پائے بقی قدس سرہ و صدیق سلوک بعد از فراغ بیان آثار جمیل حضرت صدیق اکبر و فواید چون این آثار مذکورہ دانستی دانستی که او یک جامع جمیع جہات افضالیت و کمال مشابہت بر خیم برست بر جنت الیسیال کسے باو بی برابری ندارد که پاکی طیفیت و کمال صفای باطن و قوت عقل و فراست و کثرت محبت بلکه دوام محبت از اول تا آخر و صرف هست بر نصرت دین بروی اتم و اجتماع اسباب و شرائط بتایید الهی و آمدن تائید دین از دست از قوت بالفعل و بد و اسلام و توسط و آخر و بعد و قیامت رسول الله صلی الله علیه و سلم و ظهور جمیع انواع عبادات الهی و مالی بر دست او و کمال در قیامت و علم و قیامت آنچه او را میرسد و دیگری مایه نشانی و امانت مشافعی گفتند که در دم مضطرب شد در جنت الهی بیک کسی را در آسمان بهتر از دنیا یافتند انتہی	فائدہ جدیدہ است
۳	سہ ای بار خدای سید و صدیق نامہ در ہفتاد و ہفت سال و گنجینہ صفاء	شعر شریف مصلح الدین سعدی شیرازی راجع
۴	تقریر فیض تمجید و افضلیت صدیق اکبر و وجہ تسمیہ صدیق و سبقتش در اسلام	افضل القوادع لمفوط حضرت
۵	نظامت و فوشتہ بودن نام حضرت صدیق اکبر بر قرص آفتاب و کثرت شمع المشاع نظام الملک و دنیا	شیخ المشاع نظام الملک و دنیا
۶	آفتاب قوت استواران نام کہ بر روز و رسم و ادب و انکسار نام برین و طیفی آن گشتن و انکسار	شیخ المشاع نظام الملک و دنیا
۷	روزی آمدن حضرت جبرئیل علیہ السلام کہ پوشیدہ و در حضور سرور انبیاء و پیغمبران	فوائد القوادع لمفوط حضرت
۸	آنحضرت صلی الله علیه و سلم کہ انچه لباس است عروض کردن حضرت جبرئیل سلطان الاولیاء و مروج	سلطان الاولیاء و مروج
۹	کرامت و اہمہ را تو را ن خندہ است کہ بر موافقت صدیق اکبر نمائند لباس پوشیدہ	کرامت و اہمہ را تو را ن خندہ است کہ بر موافقت صدیق اکبر نمائند لباس پوشیدہ

سلسله	موضوع	اسامی کتب بقول آنها
۶۵	متن	همان حدیث الهیوم تسد کل فرج انکم که در مرض انجیر خود حکم بند کردن جمله ریشات مفلوط حضرت دروازه جانب سبزه گشاده داشتن حرف یک دروازه مکان صدیق اکبر خواجه عبید الله حرار از حضور سلطان الانبیا صادر شد و تقریر از باب تحقیق که صدیق اکبر کمال نسبت به حبیب خدا صلی الله علیه و سلم ثابت و اشاره نمودن آنحضرت به جانب این نسبت که همه نسبتها به آنها بالنسبت بهی معنی است و الیه عبارت از این نسبت بهی است پس در پیچ سوئی یوسف باز کرد و در شکار فیل فرخنده آفرین
۶۶	متن	نایب بجهنم معنی در حدیث آمده که ابو بکر بنو پیش آنحضرت صلی الله علیه و سلم سنگریزه در دهان گرفته می نشست تا سخن بتواند کرد و نظر و جمال آنحضرت تا دوزخ را بطلان محبت آنگاه میب داشت
۶۷	متن	تتمیم کبری مقامی است پس عالی و مخصوص حضرت صدیق و حدیث مقامات حضرت ماصی الدینی صدر آخ مجتربان است
۶۸	متن	خلافت عام است از ظاهری و باطنی و خلفای آنحضرت صلی الله علیه و سلم جامع هر دو خلافت هستند
۶۹	متن	در تائید خلافت ظاهری و باطنی نقل عبارت شیخ و مرشد مؤلف گنج فیاضی مولف شاه گنج فیاضی که بهریری داده بودند که (بر طریقه اهل سنت و جماعت باشد) غلام شرف الدین قادیانی یعنی خلافت ظاهری و باطنی از رسول صلی الله علیه و سلم خلیفه اول ابو بکر صدیق بعد از آن آنحضرت عمر فاروق بعد از آن آنحضرت عثمان بعد از آن اولاد و خلفای حضرت آنحضرت علی رضی الله عنهم رسیده اعتقاد کامل کنند و افضلیت خلفای شاه یوان عبدالرشید اربعه با ترتیب خلافت اعتقاد کنند (الح) و تا کید حضرت خورشید اعظم جو پوری اندلس بر جای استقامت بر امور شریعت

نمبر	مضامین و فوائد	اسامی کتب متعلقہ
۶۵	در معنی حدیث جناب امیر الاصفیاء الیہما والاکبر و حکایت آمدن رسول قیصر نزد عمر فاروق و از اقدام بر دامن پیوسته و وجود خواب عمر رض و بعد از غایت حضرت محمدی لشکر عی طوطی و دانش را آباد کرد و سه بعد از آن گفتش خدا دقیق و صفات پاک من تمام الفرق و بعد از ارشاد فرمودن صاحب مقام دین ساختن اورا و شیخ کامل دین حضرت عمر رض و آن وقت و فرمودن حضرت امیر روم در فضیلت سید سید ای برادر چون بینی قصه او و چون که در چشم دلت برست و چندی دیگر تمام معجزه سه کی توان باشی گفتن از عمر و کی توان بر لب زردن در پیش کر و	مشهور مولانا رحم قدس سر
۶۶	قصه پریشانی و الهام شدن عمر را در ساندن نقد و بنسب بی و در گریه افتادن پریشانی و دستگیری عمر رض که از گریه که مقام هستی سید سیدی سوزان آوردن و کامل و دواصل ساختن و ظهور کمال زور ولایت و طبیعت حضرت عمر	مشهور شریف
۶۷	نبوت شیخی و تقوی حضرت عمر در زمان خود بطریق عقلی و قلبی	مؤلف
۶۸	هر که از مزید و شایع بر مذہب اہل سنت جماعت نباشد و حکایت او موافق کتاب اہل سنت رسول اللہ نباشد و حقیقت یکی از راه زمان است	راحت القلب بافق حضرت شیخ فرید گنج شکر رح شیخ السلیح حضرت امیر اولیای رح
۶۹	آتشها و برہن معنی مذکور است اگر گفت با جماعت ترک کرد و با چنین مسبح زخون و شش خورد و الخ	مشهور شریف
۷۰	و حدیث شریف برہن معنی مذکور	مشکوٰۃ شریف
۷۱	بیان واردات وقت خلافت حضرت عثمان رض و غلبه و قوت و قابلیت حضرت سید سیدی شمس بر ظہر تمام بد پرست و از نور زردان مہر بام و الخ	مشهور شریف



تاریخ	مضامین فوائد	اسامی کتب متعلقه
۱۲۰۴	بیان و ابرار کمال تصفیه و قوت و لایست و احاطت حضرت عثمان رضی	فتوحات مکیه
۱۲۰۵	چهار ایل شت در بهشت فرو و آینه ناگاه بر بی تبار اهل بهشت چنان نور	مکتوبات صدی حضرت
۱۲۰۶	گر نه که همه در سجده افتند و گویند که پروردگار بر تاجی که بر سپهرش از آید که چنین	مقدم شیخ شرف الدین
۱۲۰۷	ست بلکه اهل بیت عثمان را از هر چه که بخواهند نقل فرموده است گوشت درای	احمدی بن سید
۱۲۰۸	او افتد هست که این تاجی از او شده است	
۱۲۰۹	تاریخ و ابرار کمال تصفیه و قوت و لایست و احاطت حضرت عثمان رضی	فتوحات مکیه
۱۲۱۰	چهار ایل شت در بهشت فرو و آینه ناگاه بر بی تبار اهل بهشت چنان نور	مکتوبات صدی حضرت
۱۲۱۱	گر نه که همه در سجده افتند و گویند که پروردگار بر تاجی که بر سپهرش از آید که چنین	مقدم شیخ شرف الدین
۱۲۱۲	ست بلکه اهل بیت عثمان را از هر چه که بخواهند نقل فرموده است گوشت درای	احمدی بن سید
۱۲۱۳	او افتد هست که این تاجی از او شده است	
۱۲۱۴	تاریخ و ابرار کمال تصفیه و قوت و لایست و احاطت حضرت عثمان رضی	فتوحات مکیه
۱۲۱۵	چهار ایل شت در بهشت فرو و آینه ناگاه بر بی تبار اهل بهشت چنان نور	مکتوبات صدی حضرت
۱۲۱۶	گر نه که همه در سجده افتند و گویند که پروردگار بر تاجی که بر سپهرش از آید که چنین	مقدم شیخ شرف الدین
۱۲۱۷	ست بلکه اهل بیت عثمان را از هر چه که بخواهند نقل فرموده است گوشت درای	احمدی بن سید
۱۲۱۸	او افتد هست که این تاجی از او شده است	
۱۲۱۹	تاریخ و ابرار کمال تصفیه و قوت و لایست و احاطت حضرت عثمان رضی	فتوحات مکیه
۱۲۲۰	چهار ایل شت در بهشت فرو و آینه ناگاه بر بی تبار اهل بهشت چنان نور	مکتوبات صدی حضرت

تاریخ طبع کتبه محمد مقصود علی پهلواروی عفی عنه

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۲ متن	شیشین برترین	خلقانی را شیدین	۲۲	۹	المنهلو	سیریندو
۲	۳۲ حاشیه	ما	اما	۱۰	۱۰	ردبان	مردان
۳	۱۱ متن	خود	خود انشی	۲۸	۲	پهسند	پویشند
۴	۹	مثنی واز	مثنی از	۳۱	۱	تعالی	تعالی انشی
۵	۱۳	آسمان	آسمان انشی	۸	حاشیه	المنتهی	منتهی
۶	۵	پهسا	پهسا	۳۴	۲	لَذَنِيكَ	لَذَنِيكَ
۷	۱۱ حاشیه	اموار	اموار	۳۳	۳۳	مقاسم	مقارب
۸	۳۲	اشع	اشع	۳۳	۱ متن	یک	بکر
۹	۵	دود	دود	۳۵	۳	الخ	الخ انشی
۱۰	۱۳	ابوبکر الصديق	ابوبکر الصديق	۳۴	۵	بسته	بسته انشی
۱۱	۳۱	اللبیدی	اللبیدی	۱۱	۱۱	نماز	نماز انشی
۱۲	۱۷ متن	هر چهار	هر چهار	۳۴	۳	جاء	حاصل
۱۳	۳۵ حاشیه	الاكتساب	الاكتساب	۱۸	حاشیه	فتوحه	فتوحه
۱۴	۱۰ متن	برجشاد	برجشاد انشی	۳۸	۲ متن	قلبه	ساقلبه
۱۵	۹	روزه	روزه	۳۳	۴	قیامت	قیامت انشی
۱۶	۳۳ حاشیه	جزو	جزو	۶	۶	بجر	بجر
۱۷	۳۴	رسول	رسول	۳۴	۳۱ حاشیه	برهان	برهان
۱۸	۳۸	بوس	بوس	۵۸	۳ متن	گوید	گوید
۱۹	۱۷ متن	الاخبار	الاخبار	۴۰	۱۱ حاشیه	لخصاً	لخصاً
۲۰	۹	جذب	جذب	۳۳	۱ متن	اشیا	اشیا

صفيح	غلط	سطر	صفيح	غلط	سطر	صفيح	غلط	سطر	صفيح	غلط	سطر
تصحيح الجواب	تصحيح الجواب	١٠ متر	٤٤	وانتد	وانتد	٩	١٠ متر	٤٤	٩	١٠ متر	٤٤
حدود	حدود	٩	٩٢	طواف	طواف	٩	٩٢	٩	٩٢	٩	٩٢
علماء	علماء	٨	٩٦	برآن	برآن	٨	٩٦	٨	٩٦	٨	٩٦
عمر الفاسوق	عمر الفاسوق	٢	٩٨	تفصيل	تفصيل	٢	٩٨	٢	٩٨	٢	٩٨
الاصاني	الاصاني	٤	٩٩	ترقي	ترقي	٤	٩٩	٤	٩٩	٤	٩٩
شير شجاع عتلي	شير شجاع عتلي	١٩	١٠٢	أوجي	أوجي	١٩	١٠٢	١٩	١٠٢	١٩	١٠٢
تمت وصحت نامه معيار النقيب											
من فضل علي	من فضل علي	١٣٨	١٣٨	المدونة	المدونة	١٣٨	١٣٨	١٣٨	١٣٨	١٣٨	١٣٨
علي عثمان	علي عثمان	١٣٩	١٣٩	كثير	كثير	١٣٩	١٣٩	١٣٩	١٣٩	١٣٩	١٣٩
قراءة	قراءة	٢٣٨	٢٣٨	فصاح	فصاح	٢٣٨	٢٣٨	٢٣٨	٢٣٨	٢٣٨	٢٣٨
افضليت	افضليت	٢٣٩	٢٣٩	فصحت	فصحت	٢٣٩	٢٣٩	٢٣٩	٢٣٩	٢٣٩	٢٣٩
طريقة	طريقة	٢٤٠	٢٤٠	ظلمة	ظلمة	٢٤٠	٢٤٠	٢٤٠	٢٤٠	٢٤٠	٢٤٠
بارون	بارون	٢٤١	٢٤١	النسبي	النسبي	٢٤١	٢٤١	٢٤١	٢٤١	٢٤١	٢٤١
ابن محمد	ابن محمد	٢٤٢	٢٤٢	تفصيل	تفصيل	٢٤٢	٢٤٢	٢٤٢	٢٤٢	٢٤٢	٢٤٢
معيار النقيب	معيار النقيب	٢٤٣	٢٤٣	ردي	ردي	٢٤٣	٢٤٣	٢٤٣	٢٤٣	٢٤٣	٢٤٣
١٠٩٩	١٠٩٩	٢٤٤	٢٤٤	شكر الله	شكر الله	٢٤٤	٢٤٤	٢٤٤	٢٤٤	٢٤٤	٢٤٤
محمد عبد الرحمن بن محمد											





CALL No.

۲۹۷۵۲

ق ۱۱ م ۲

ACC. NO.

۱۷۱۱۶

AUTHOR

قادری، سید علی اعظم پیلواری -

TITLE

معیار الخیر

ق ۱۱ م ۲		۲۹۷۵۲	
۱۷۱۱۶			
قادری، سید علی اعظم پیلواری -			
معیار الخیر			
Date	No.	Date	No.

AT THE TIME



MAULANA AZAD LIBRARY  
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES :-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of **Re. 1-00** per volume per day shall be charged for text-book and **10 Paise** per volume per day for general books kept over-due.